

آسیب‌شناسی دورنمای همگرایی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای: مطالعه موردی چین

سید مرتضی طباطبایی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی اصغر اسماعیل پورروشن^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تهمینه دانیالی

استادیار جغرافیای روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حیدر لطفی

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

چکیده

سازمان همکاری شانگهای از جمله سازمان‌هایی است که در زمینه منطقه‌گرایی و در حوضه اقتصادی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته است و از این رو همکاری‌هایی که ایران به خصوص از لحاظ اقتصادی با کشورهای عضو اصلی این سازمان مانند روسیه و چین دارد، می‌تواند راهی برای کاهش فشارهای اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی ایران تلقی گردد. سوال اصلی مقاله این است که با توجه به روند فعلی، دورنمای همگرایی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به ویژه چین چگونه خواهد بود؟ روش پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی است. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای و میدانی (با استفاده از پرسشنامه) جمع‌آوری شده‌اند و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های دو جمله‌ای و آزمون میانگین در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که تحریم‌های پسابرجام سبب ارتقاء زمینه‌های همگرایی میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای ارتقاء شده و ارتقاء روابط در دور زدن تحریم‌های پسابرجام خصوصاً در صنایع گردشگری، داروسازی و معدن تأثیرگذار خواهد بود و در عین حال بی‌اعتمادی جمهوری اسلامی ایران نسبت به غرب، روابط نامطلوب گذشته و وجود منافع استراتژیک میان ایران و اعضای اصلی شانگهای از جمله مهم‌ترین دلایل گرایش جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای است.

کلیمات کلیدی: تحریم‌های پسابرجام، منطقه‌گرایی، همگرایی، سازمان همکاری‌های شانگهای، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

جهان امروز تحت تأثیر افزایش نفوذ و گسترش قدرت‌های جهانی تغییرات ساختاری بی‌شماری را تجربه می‌کند و در این میان تبادلات و تعاملات اقتصادی - تجاری و بین‌المللی و ساختار اقتصادی دولت‌ها به شدت تحت تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است و تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته و هم‌چنان در حال تغییر است. وابستگی متقابل اقتصادی، ادغام اقتصادهای ملی در سطح جهانی و منطقه‌ای نیز از مهم‌ترین پیامدهای اقتصاد امروز کشورهای در حال توسعه است. وابستگی متقابل اقتصاد کشورها به قدرت‌های جهانی و رشد سریع تجارت جهانی ضمن گسترش سریع رقابت بین‌المللی، زمینه همکاری متقابل و در تقابل یکدیگر را برای کشورهای جهان به همراه آورده است. در برخی موارد نیز استراتژی کشورهای در حال توسعه بر خلاف قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار می‌گیرد و این تضاد سبب تغییرات ژئوپلیتیک گسترده خواهد شد. تغییر ساختار ژئوپلیتیک حداقل به دو روش بر رقابت‌های پایدار اثر می‌گذارد؛ نخست اینکه تغییر ساختار، محیطی را که رقابت ژئوپلیتیک تحت آن رخ می‌دهد تغییر می‌دهد، این تغییر فرصت‌های جدیدی برای کشمکش رقبا ایجاد می‌کند؛ دوم آنکه تغییر ساختار ژئوپلیتیک بر برخی روابط دوجانبه یا چندجانبه اثر شگرفی دارد. پرونده هسته‌ای ایران از جمله مهم‌ترین پدیده‌های ژئوپلیتیک اخیر جهان است که نه تنها قدرت‌های منطقه‌ای، بلکه قدرت‌های جهانی و اکثر کشورهای جهان را نیز درگیر نمود و به دنبال تحولات آن در طی ماه‌های گذشته، خروج ایالات متحده از برجام، دوران جدیدی را برای ملت و حکومت ایران آغاز کرد و بازگشت تحریم‌های آمریکا و تهدیدهای مکرر کاخ سفید، نه تنها سبب آشفتگی منطقه بلکه سبب تغییرات در ساختار ژئوپلیتیک و ساختار اقتصادی و سیاسی سایر کشورها شد. در ۹ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک خارج شد و سپس دونالد ترامپ ضمن اعلام خروج واشنگتن از توافق ۲۳ تیر ۱۳۹۴ بین شش قدرت جهانی عضو گروه ۱+۵ با ایران، خاطر نشان کرد که آمریکا با متحدان خود مذاکره می‌کند تا به یک تصمیم جدید برای جلوگیری از جاه طلبی مخرب ایران برسد. طبق برنامه اعلامی او پس از ۹۰ روز تنفس و فرصت برای تجار و فعالان اقتصادی بخش اول تحریم‌ها قطع می‌گردد و پس از ۱۸۰ روز بخش دوم و پایانی تحریم‌ها بر ایران اعلام می‌شود. تحریم‌های ایران شامل کلیه تحریم‌های اقتصادی، هواپیمایی، خودروسازی، طلا و انرژی می‌باشد.

در راستای سیاست‌ها و استراتژی‌های جمهوری اسلامی ایران، نقش اتحادیه‌های تجاری - سیاسی افزایش یافته و بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است و به همین جهت از دهه گذشته جمهوری اسلامی خواسته و منافع خود را در چارچوب مجموعه‌ای از کشورهای همسویان می‌کند و در این میان سهم کشورهای که در راستای جنگ‌ها و درگیری‌های مختلفی با ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده‌اند از سایر کشورها بیشتر بوده است. در این میان می‌توان به کشور چین و کشور روسیه نیز اشاره کرد که یکی دارای جنگ عظیم اقتصادی و دیگری دارای جنگ سیاسی و ایدئولوژیکی با آمریکا است. همواره دو سازمان اتحادیه اروپا و سازمان کشورهای شانگهای از جمله مهم‌ترین اتحادیه‌های تجاری - سیاسی محسوب می‌شوند و امروزه رفتار ایران در تحریم‌های پسا «برجام» به سیاست‌های این دو اتحادیه وابستگی زیادی دارد و با توجه به روابط تاریک گذشته میان ایران و اتحادیه اروپا، نزدیکی اروپا به آمریکا و در نتیجه نگاه بدبینانه‌ی ایران به اتحادیه اروپا، لذا به نظر می‌رسد بالاجبار در تحریم‌های

پسا برجام (۱۳ آبان ۱۳۹۷) نگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای عضو سازمان شانگهای بسیار فراتر از کشورهای اتحادیه اروپا و سایر کشورهاست و از این رو. به دنبال تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، امروزه افزایش تبادلات اقتصادی - تجاری، امنیتی و ارتقاء روابط ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای هم به لحاظ ایدئولوژیکی و هم به لحاظ همگرایی منطقه‌ای که دارای اشتراکاتی با ایران می‌باشند و هم به لحاظ ژئوکالچر و ژئواستراتژیک، این‌طور به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران برای کاهش فشار تحریم‌ها گرایش‌های بیشتری به کشورهای عضو سازمان شانگهای دارد. البته می‌بایست اضافه نمود که بیش از ۷۰ درصد اقتصاد ایران به نفت و گاز وابسته است و با شروع تحریم‌ها خرید نفت و انرژی از ایران کاهش چشم‌گیری داشته است و طی ابلاغ ۱۴ فروردین ۱۳۹۷، آمریکا موقتاً به مدت هشت هفته، ۸ کشور را نیز از فهرست تحریم‌های ایران جدا نمود. با این وجود علی‌رغم قطع تعاملات تجاری میان ایران و غرب، در میان کشورهای عضو سازمان شانگهای نیز تنها روسیه و چین از جمله بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران محسوب می‌شوند و به نظر می‌رسد دو کشور چین و روسیه نیز بیشترین سود و امتیاز را از تحریم‌های ایران در پس‌برجام خواهند برد و البته به دلیل نزدیکی برخی از کشورهای دیگر سازمان شانگهای به دشمنان ایران نظیر رژیم صهیونیستی و عربستان، بر روی مابقی کشورهای عضو شانگهای نمی‌توان حساب‌های ویژه‌ای باز نمود، البته بر طبق یک نظریه می‌توان از کشورهای گمنام این سازمان نظیر قزاقستان در جهت دور زدن تحریم‌ها استفاده نمود که این خود می‌تواند از مهم‌ترین امتیازات ارتقاء روابط میان ایران و این کشورها در تحریم‌های پس‌برجام باشد؛ اما آن چیزی که مسلم است تأثیرات چشم‌گیر تحریم‌های پس‌برجام آمریکا بر اقتصاد و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود که ادامه این روند بدون شک اقتصاد ایران را با چالشی جدی مواجه خواهد ساخت و اقتصاد ملی را نیز به خطر خواهد انداخت. از همین رو پژوهش حاضر به دنبال شناخت روابط میان همکاری‌های اقتصادی میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای و وضعیت اقتصادی ایران در شرایط پس از تحریم‌های پس‌برجام است. هدف از انجام پژوهش ابتدا بررسی پتانسیل‌های اقتصادی میان ایران و کشورهای سازمان شانگهای است که در همین راستا همگرایی‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی در بهبود عملکرد روابط اقتصادی نقش غیرقابل‌انکاری دارد. از سوی دیگر در تحقیق حاضر به تعیین مهم‌ترین عوامل نگاه ویژه ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای در تحریم‌های پس‌برجام پرداخته خواهد شد، و در بخش دیگر نیز امتیازات حاصل از تحریم‌های پس‌برجام برای دو قدرت بزرگ سازمان شانگهای نظیر چین و روسیه و جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل و آینده‌نگری قرار خواهد گرفت. حال با توجه به تحریم‌های اخیر ایالات متحده آمریکا پس‌برجام و وضع سنگین‌ترین تحریم‌های تاریخ علیه ملت مظلوم ایران، پرسش اصلی این است که پتانسیل‌های همکاری ایران با کشورهای عضو شانگهای شامل چه مواردی می‌باشد و افزایش همکاری‌های ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای چه امتیازاتی را برای ایران در جهت کاهش فشار تحریم‌ها به وجود خواهد آورد؟

رویکرد نظری

تا قبل از دهه ۱۹۵۰ عمدتاً پژوهشگران علم سیاست در تحلیل سیاست بین‌الملل از نگرش‌ها بس پیروی می‌کردند. از این دیدگاه کشورهای جهان در یک رابطه مبتنی بر ستیزش با یکدیگر درکنش قرار دارند. به عقیده برخی از

واقع‌گرایان، سرشت روابط خودخواهی و سودجویی انسان‌ها آن‌ها را در برابر یکدیگر قرار داده است. برخی نیز هرج و مرج را در نظام بین‌الملل موردتوجه قرار داده‌اند؛ بنابراین هدف کلیه واحدهای سیاسی در جهان افزایش قدرت تلقی گردیده است. ولی از دهه ۱۹۵۰ به بعد به تدریج نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل به وجود آمد که دیدگاه‌های سنتی را تحت تأثیر قرار داد. طرفداران نظریه‌های همگرایی و ارتباطات از فرضیات واقع‌گرایانه در خصوص سرشت ستیزه‌آمیز انسان‌ها و روابط بین‌الملل جدا شدند (کولایی، ۱۳۷۹). آن‌ها جنگ و ستیزش را به عنوان محور و اساس فعالیت‌های انسان‌ها و نظام بین‌الملل مردود دانستند. در این زمینه نظریات کارل دویچ در مورد روابط متقابل جوامع سیاسی قابل توجه می‌باشد. گذشته از رهیافت سبیرنتیکی دویچ و همکارانش، نظریه‌های کارکردگرایی و نوکارکردگرایی تحلیل‌های جدیدی را از روابط واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل مطرح ساخت. از دهه ۱۹۶۰ هواداران نظریه‌های همگرایی چارچوب‌های جدیدی را برای تحلیل روابط بین‌الملل ارائه کردند. در نظریه‌های کارکردگرایان فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی-فنی جوامع انسانی مورد توجه قرار گرفت و اساس توجه آن‌ها بر این گونه از کنش‌های انسانی واقع گردید. از این دیدگاه گسترش همکاری‌های بین‌المللی در عرصه‌های اصولاً غیرسیاسی، شرط ضروری و اساسی برای حل دشواری‌های سیاسی و کاهش تنش و کشمکش در میان کشورها تلقی گردید. (کولایی، ۱۳۷۹) تز اصلی این نظریه‌ها، عدم کفایت روز افزون دولت‌ها برای حل مسائل و مشکلات جامعه انسانی است، زیرا نیازهای انسان فراتر از مرزهای سرزمین کشورهای ملی توسعه پیدا کرده است. به نظر هواداران نظریه‌های کارکردی، نظام دولت‌های ملی سلسله‌ای از تقسیمات عمودی را بر جامعه جهانی تحمیل کرده که وحدت جهانی را مورد تهدید قرار داده است از این منظر، جهان به بخش‌های منفک و بریده از یکدیگر تقسیم شده که از حل مسائل و مشکلات جامعه بشری ناتوان هستند. البته این تفکر از دیرباز در جامعه بشری وجود داشته که تحقق صلح و امنیت جهانی تنها از طریق ایجاد یک فدراسیون بین‌المللی امکان‌پذیر است ولی به گفته بیشتر با یکپارچگی از طریق «اتحاد ملی» دانلد پوچالا، انباشت تجارب تاریخی موارد امپریالیسم انطباق دارد تا همگرایی صلح‌آمیز منطقه‌ای. به این ترتیب تا قبل از جنگ جهانی دوم نظریه‌های همگرایی رشد قابل توجهی نداشت. تا قبل از سال ۱۹۴۵ طرح‌های مربوط به همگرایی منطقه‌ای اساساً حاصل کارگروه‌های سیاسی مخالف حاکمیت دولت‌ها بود که آن‌ها را عامل ستیزش در میان کشورها می‌دانستند. در بررسی نظریه‌های همگرایی می‌توان به تقسیم‌بندی‌های مختلف پرداخت. فدرال‌گرایان، کارکردگرایان، نوکارکردگرایان، کثرت‌گرایان یا پیروان نظریه‌های ارتباطات در این زمینه قابل توجه می‌باشند. در حالی که کارکردگرایان و نوکارکردگرایان به مراحل آغازین همگرایی منطقه‌ای توجه دارند، فدرال‌گرایان به مرحله نهایی همگرایی پرداخته‌اند (کولایی، ۱۳۷۹).

گرچه تعریف واژه منطقه‌گرایی باید مورد توافق قرار گیرد اما می‌توان آن را به دو دسته تقسیم کرد: منطقه‌گرایی مبتنی بر ارزش و منطقه‌گرایی مبتنی بر سیاست (برزگر، ۱۳۸۷: ۲۷). منطقه‌گرایی ارزشی در واقع ستایشی دوستانه است که ترکیبی از عقاید، ارزش‌ها و اهداف آشکار و روشن را مطرح می‌کند. هدف منطقه‌گرایی ارزشی ایجاد، حفظ و بازنگری در قواعد امنیت، رفاه، صلح و توسعه در منطقه است و از جانب بازیگرانی با عقاید و منابع مشابه درخواست می‌شود تا فعالیت‌ها و روابط خود را در فضای منطقه‌ای مشخصی سازماندهی نمایند. منطقه‌گرایی سیاسی به گروهی از کشورهای صاحب حاکمیت اشاره دارد که از نظر جغرافیایی هم‌جوار و از نظر سیاسی و اقتصادی

وابسته به هم هستند، ویژگی‌های مشترک متعددی با هم دارند و به دنبال توافق جامع و ترتیبات مشترک در امور منطقه‌ای، تمایلات و سیاست همکاری بر اساس تقویت منافع فردی و کنترل نظام روابط میان خود تحت این چارچوب هستند. (سیف زاده، ۱۳۶۹، ۹۳۰) به طور کلی در سیاست بین‌الملل، همگرایی رابطه‌ای است که در آن رفتار به «ارنست‌هاس»^۱. بازیگران و واحدهای سیاسی در قالب جدیدی شکل گرفته است عنوان پدر پایه‌گذار این تئوری همگرایی را این چنین تعریف می‌کند:

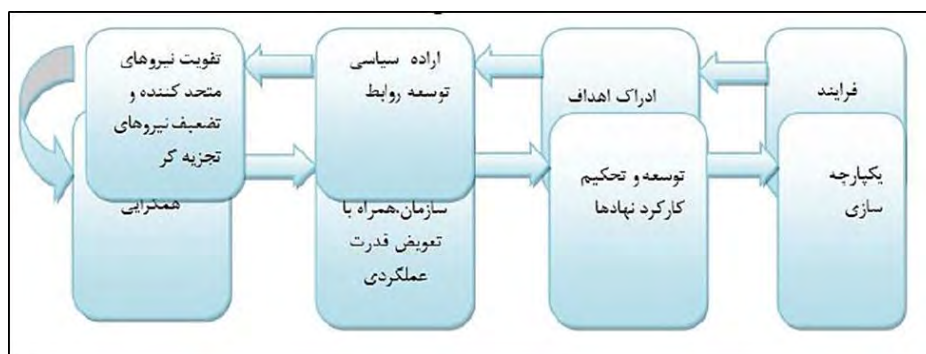
روندی که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می‌شوند مه وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رای اختیارات ملت کشور باشد سوق دهند. بنا بر تعریف «مورتون کاپلان»^۲ همگرایی روندی است که طی آن سیاست‌های مجزا، یک چارچوب مشترکی را تشکیل می‌دهند (عباسی و علیمردانی، ۱۳۹۳) که قادر به رسیدن به اهداف و اقدامات سیاسی مشترک می‌باشند. لئون لیندبرگ^۳ با استفاده از تعریف هاس، همگرایی را این‌گونه تعریف می‌کند:

۱- روندی که به موجب آن ملت‌ها برای به دست آوردن یک رهبری خارجی با حفظ سیاست‌های داخلی ولیکن به‌طور وابسته به یکدیگر در عوض برقراری توافق‌های دوگانه از اقتدار خویش می‌کاهند (کریمی، ۱۳۸۹). ۲- روندی که به موجب آن، بازیگران سیاسی انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به یک مرکز جدید منتقل می‌کنند (بصیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳). کارل دویچ نیز بیان می‌کند که همگرایی یک موضوع همیشگی و حق است نه یک موضوع مربوط به زمان خاص. وی همگرایی را به عنوان شرایطی که در آن مردم اختلافاتشان را از راه مسالمت‌آمیز به جای جنگ حل می‌کنند، ارزیابی می‌کند (بصیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴) به طور کلی و با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت: همگرایی وضعیت یا حالتی است که در آن دولت‌های مستقل و حاکم بنا به میل و رضایت کامل و با آگاهی از مفهوم تعهدات و حقوق متقابل مترتب بر آن به هم‌گرایی با دیگر اعضا می‌پردازند. در اتحادیه اروپا اصل موافقت‌نامه پذیرش کشورهای عضو به رعایت مقررات حقوقی جامعه اروپایی می‌باشد. همچنین ایجاد وضعیت همگرا بر پایه رضایت خاطر و روابط صلح‌آمیز است و اعمال زور برای تشکیل همگرایی در آن مطرح نیست. بنیان «همگرایی منطقه‌ای» تئوری بر این طرز تفکر قرار دارد که باید با بسیج عوامل پیونددهنده منطقه‌ای زمینه حصول با آرمان «یونیورسالیسم» را فراهم ساخت. این تئوری که یکی از تئوری‌های نو ظهور در روابط بین‌الملل می‌باشد بعد از جنگ جهانی دوم به منظور توضیح روند همگرایی کشورهای اروپایی غربی و تثوریک کردن این روند مطرح گردید. این اصطلاح در حقیقت می‌خواهد شرایطی را توضیح دهد که در آن سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظام‌های مختلف قصد دارند به قدری به هم نزدیک شوند که سیستم جدیدی را جایگزین روابط خود با سیستم قبلی بنمایند (آذر کمند، ۱۳۹۳: ۸۴).

¹ Ernst Haas

² Morton Kaplan

³ Leon Lindberg



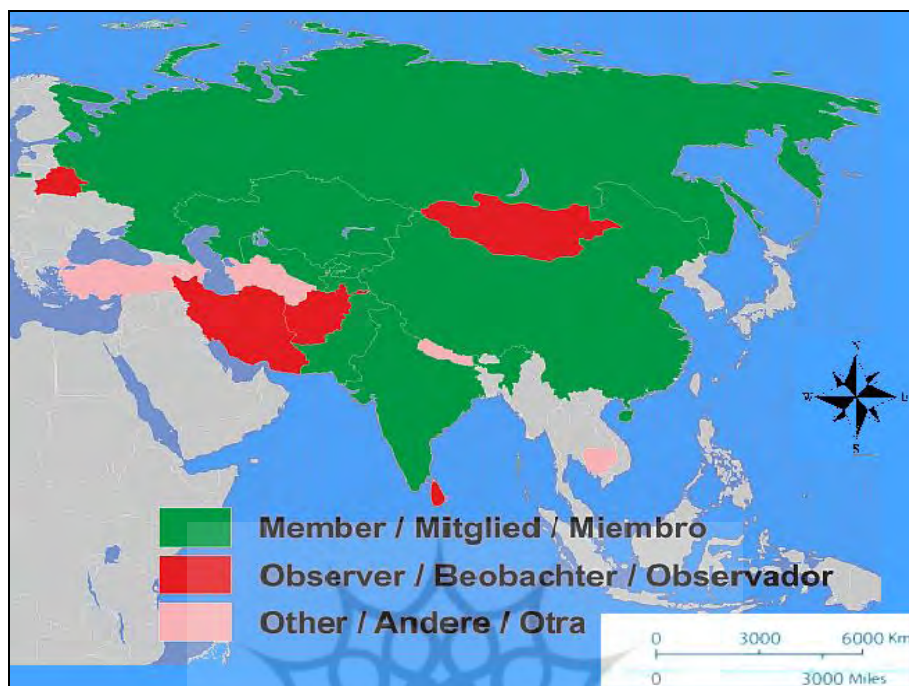
نمودار ۱: فرآیند همگرایی. منبع: (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۴).

روابط ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای

بررسی و عملکرد سازمان همکاری شانگهای نشان می‌دهد که این سازمان توانسته است به مهم‌ترین هدف خود که برقراری امنیت، ثبات و اعتمادسازی بین اعضا در مرزهای مشترک است جامه عمل بپوشاند. چرا که تقریباً از زمان شکل‌گیری این پیمان به بعد مشکل خاصی در مرزهای مشترک این کشورها وجود نداشته است. از سوی دیگر این سازمان به عنوان یک سازمان منطقه‌ای فعال در معادلات منطقه از پرستیژ بالایی برای رویارویی مسائل و مدیریت بحران‌ها برخوردار گردیده که می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر مسائل منطقه‌ای و بین‌الملل داشته باشد. در همین راستا این سازمان از یک نهاد منطقه‌ای به سوی ساخت یک بلوک قدرت در آسیا در حرکت است. در سال ۲۰۰۵ با تثبیت اوضاع در افغانستان، سازمان از آمریکا خواست تا برنامه زمان بندی شده‌ای را برای خروج نیروهای خود از منطقه آسیای میانه ارائه دهد. در همین سال دولت ازبکستان به نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه خان آباد اعلام نمود که شش ماه فرصت دارند این کشور را ترک نمایند. موضوع دیگری که در ابعاد سیاسی و امنیتی این سازمان قابل اهمیت است تصمیم اعضا برای ایجاد یک مرکز ضد تروریسم در سال ۱۹۹۹ بود. نکته قابل توجه در رویکرد ضد تروریستی سازمان آن است که توجه اعضای سازمان به این موضوع پیش از حملات ۱۱ سپتامبر و در زمان نضج گرفتن پایه‌های القاعده به رهبری غرب می‌باشد. در زمایشی که در سال ۲۰۰۲ برای مبارزه با تروریسم در آلمای شرقی و شهر ایتینگ در منطقه خودمختار سین کیانگ در شمال غرب چین برگزار گردید ۱۳۰۰ نیرو مشارکت داشت. در سال ۲۰۰۳ نیز مانور چند جانبه‌ای با شرکت اعضا در جهت مبارزه با تروریسم در منطقه انجام گرفت.

ژوئن ۲۰۰۶ نیز در شانگهای بیانیه‌ای در رابطه‌ای با امنیت اطلاعاتی بین‌المللی تصویب و برنامه همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، تجزیه به امضا - طلبی و افراط‌گرایی در سال ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹ به امضا رسید. در نشست وزرای دفاع کشورهای عضو برگزاری مانور نظامی با هدف مقابله با تروریسم با شرکت اعضا در سال ۲۰۰۷ در منطقه اورال روسیه نیز به تصویب امضا رسید. یازدهمین گرد هم‌آیی سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای روز چهارشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۰ (۱۵ ژوئن ۲۰۱۱) در شهر آستانه، پایتخت قزاقستان، آغاز شد. رئیس‌جمهوری کشورمان پیش از این سفر در فرودگاه به خبرنگاران گفت: سازمان همکاری‌های شانگهای از پیمان‌های مهم منطقه‌ای است و با توجه به تحولات جهانی هرروز اهمیت همکاری‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای بی‌شتر می‌شود. وی افزود: جمهوری اسلامی ایران از کشورهای اصلی و تأثیرگذار در همکاری‌های منطقه‌ای به شمار می‌رود که با حضور در اجلاس‌های

منطقه‌ای می‌تواند هم کمک کننده به اهداف اجلاس‌ها باشد و هماهنگی مناسبی را برای تأثیرگذار بودن هم کاری منطقه‌ای ایجاد کند. مدودف در حاشیه این اجلاس با دکتر احمدی‌نژاد ملاقات کرد.

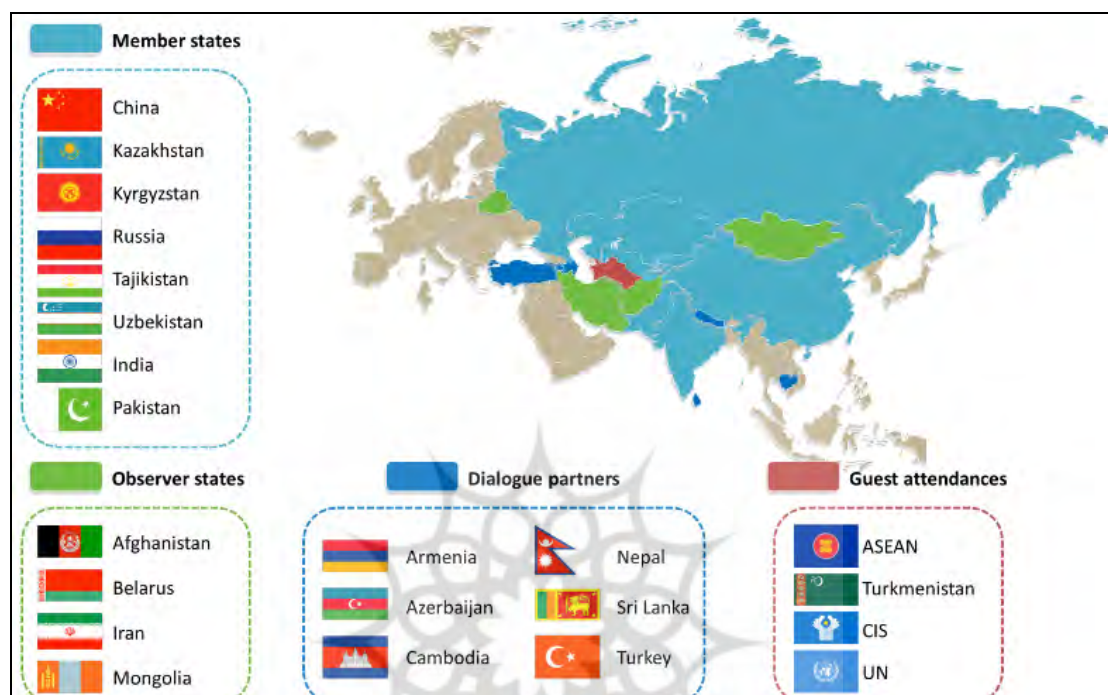


نقشه ۱: کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای

منبع: <http://www.geo-ref.net>

به گفته ناظران این دیدار از اهمیت ویژه‌ای برای هر دو کشور برخوردار بود. مسائل مربوط به امنیت غذایی و انرژی، رشد توریسم و همکاری‌های صنعتی و کشاورزی و همچنین بررسی راهکار قانونی برای قبول اعضای دائم و جدید در دستور کار اجلاس آستانه قرار دارد. سیاست خارجی ایران به تجربه دریافته است که احیا و توسعه سازمان‌هایی مانند شانگهای در گرو اندیشه‌ها و ابتکارات تازه است. سازمانی که حدود یک دهه از حیات آن می‌گذرد اکنون در فضایی پر از چالش قرار گرفته است. این چالش‌ها از دو جهت اقتصادی و سیاسی موقعیت این سازمان را به چالش می‌کشاند. در همین راستا اندیشمندی‌های ایران برای تحول شانگهای در برگیرنده هر دو بعد اقتصادی و سیاسی است. در حوزه سیاسی، تهران دو پیشنهاد روشن ارائه کرد اول این که کمیته مشترک سیاسی دائمی بین اعضا با هدف نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌های سیاسی شکل بگیرد که این کمیته در واقع سنگ بنای همگرایی قدرت‌های عضو سازمان را در بحران‌ها و مناقشات منطقه‌ای پایه‌گذاری خواهد کرد. در تشریح این ایده دکتر احمدی‌نژاد تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران با توجه به جای گاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود در منطقه به‌ویژه با تکیه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود آمادگی دارد تا همکاری‌های خود را با سازمان همکاری شانگهای و کشورهای عضو گسترش و تعمیق بخشد. پیشنهاد دوم تهران همانا تأسیس یک نهاد داوری برای رفع اختلافات است. بدون شک چنین نهادی کارکردهای بسیار خواهد داشت. قبل از هر چیز این نهاد داوری یک سازوکار عملی برای تحقق آرزوی خانواده شانگهای برای برقراری صلح در منطقه است. در وهله بعدی چنین نهادی راه را برای مداخله بازیگران و قدرت‌های خارجی مسدود خواهد کرد. فصل دیگر پیشنهاد‌های ایران معطوف به گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری است. واقعیت این است که با وجود قدرت بالای اقتصادی که

اعضای شانگهای دارد و آهنگ رشدی که نظام اقتصادی اغلب دولت‌های حاضر در اجلاس دوشنبه پیش گرفته است اما هنوز تراز هم کاری‌ها و مراودات درون این سازمان چشمگیر نیست. گردش تجارت میان قدرت‌های عضو دائم و غیر دائم شانگهای یا به صورت دوجانبه است یا آنکه وزن غالب مراودات آن‌ها با کشورهای غیر از شانگهای است.



نقشه ۲: موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای

منبع: <https://yourfreetemplates.com>

بر این مبنا سازمان شانگهای برای آنکه پتانسیل اقتصادی اعضا را در مسیر شکوفایی منطقه بکار گیرد ناگزیر از پیش گرفتن راه‌های تازه است. یکی از این راه‌های نو از نگاه رئیس‌جمهور کشورمان این است که مبادلات اقتصادی، تجاری، پولی و مالی بین کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با ارزش‌های رایج در خود این کشورها ساماندهی شود و نرخ‌های برابری ارز در این کشورها حسب معیارهای متقن اقتصادی تعیین شود. نتیجه این ایده در گام اول رهایی غالباً تک محصولی آسیای مرکزی از سلطه دلار است و در وهله بعدی اعتبار و ثبات بخشیدن به ارزش پول کشورهای منطقه محسوب می‌شود. سازمان شانگهای در مسیر تحول اقتصادی ناگزیر است بخشی از تجارب موفق دیگر سازمان‌های منطقه‌ای را پیاده کنند. تهران به دلیل سوابق ممتدی که در سازماندهی همگرایی منطقه‌ای دارد در این زمینه ایده ایجاد بانک سازمان همکاری شانگهای را به اجلاس دوشنبه ارائه کرد. با استقبالی که از این پیشنهادها صورت گرفت امید می‌رود که اجلاس آینده شانگهای طرح تحول چشمگیر در این نهاد نو پا را دنبال کند. طرحی که رقبای سیاسی و تجاری شانگهای در غرب اکنون با نگاهی نگران آن را دنبال می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران از زمانی که در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) به همراه هند و پاکستان به‌عنوان اعضای ناظر مورد پذیرش سازمان هم کاری شانگهای قرار گرفت، روی کرد مشخصی به این سازمان داشته است. اصولاً سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر نهادهای منطقه‌ای همچون شانگهای توسعه هم کاری بوده است، اما تفاوت

عمده‌ای که این سازمان با دیگر نهادهای منطقه‌ای دیگر دارد، حضور دو کشور چین و روسیه به‌عنوان اعضای اصلی است. در واقع حضور همه جانبه این دو کشور و نیز کشورهای دیگر منطقه‌ای بانه همراه جمهوری اسلامی ایران، هند و پاکستان این سازمان را برای ایجاد ترتیبات جدید منطقه‌ای و بین‌المللی آماده می‌سازد. در این زمینه احمدی‌نژاد پیش از سفر به قزاقستان اعلام کرد تو جه به تحولات بین‌المللی، پیمان‌های منطقه‌ای هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد و ایران به عنوان کشوری تأثیرگذار در منطقه گفت‌وگوها و پیشنهادهایی را برای تأثیرگذاری بیشتر این پیمان در معادلات بین‌المللی مطرح می‌کند بنابراین به نظر می‌رسد که حضور فعال و تلاش برای مشارکت در چارچوب سازی روندهای آتی این سازمان می‌تواند به نقش بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای کمک کند. در نهایت آنچه سازمان شانگهای را برای ایران با اهمیت می‌سازد، فرایندی است که در چارچوب این سازمان، در حال شکل‌گیری است و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور منطقه‌ای با ابعادی بین‌المللی (تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین‌المللی) می‌تواند ابتدا با مشارکت و سپس با تقویت چنین فرایندی، به اهداف این سازمان کمک کند. دکتر مهدی سنایی، نماینده مجلس شورای اسلامی و رئیس مرکز مطالعات ایران و اوراسیا معتقد است؛ حضور رئیس‌جمهور ما در این اجلاس از سه جهت حائز اهمیت است. مسئله اول در این خصوص مسئله هم‌کاری ایران با سازمان همکاری‌های شانگهای و عضویت ناظری که ایران در این سازمان دارد، است. به این معنی که تقویت همکاری‌های ایران با این سازمان و به شکلی تقویت این سازمان که زمانی از آن با عنوان ناتوی شرقی نام برده شد، یکی از اهداف مهم این سفر است.

حوزه شانگهای و حوزه این سازمان می‌تواند یک حوزه فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و همین‌طور یک حوزه امنیتی تلقی شود. علاوه بر این، تقویت این سازمان می‌تواند منجر به تقویت این حوزه در جهان شود. بعد دوم حضور رئیس‌جمهور در این اجلاس دیداری است قرار است آقای احمدی‌نژاد با آقای مدودوف، رئیس‌جمهور روسیه داشته باشد. من گمان می‌کنم این دیدار آستانه آغاز فصل جدیدی در روابط ایران و روسیه است. نشانه‌های آغاز این فصل جدید را می‌توان در هفته‌های اخیر مشاهده کرد و می‌توان گفت که اصلاً شرایط جدیدی در سیاست خارجی روسیه در حال ظهور است که بخشی از آن تقویت روابط با ایران و توجه مجدد به رابطه با ایران است که البته برای روسیه علل و عوامل مختلف داخلی و خارجی دارد؛ بنابراین دیدار آقای احمدی‌نژاد و آقای مدودوف در حوزه سیاست خارجی ما حائز اهمیت است. بعد سومی که باعث اهمیت این اجلاس و به تبع آن حضور رئیس‌جمهور در آن می‌شوند، تحولات منطقه‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا است. اگرچه برخلاف عملیات در عراق و افغانستان، امریکا و ناتو تلاش کرده‌اند که کشورهای بیشتری راحتی از کشورهای منطقه و کشورهای عربی برای عملیات لیبی به سمت خود جلب کنند و به همکاری دعوت کنند؛ اما من فکر می‌کنم که هنوز هم این شکل عملیات در لیبی یکی از مصادیق یک جان به‌گرای است و این در حالی است که ماهیت سازمان هم‌کاری شانگهای مخالفت با یک جانبه‌گرایی، حرکت به سمت جهان چندقطبی و ترجیح تأمین امنیت جمعی با ابزارهای بومی نسبت به ابزارهای خارج از منطقه و غیربومی است؛ بنابراین مذاکرات روسای جمهور و رهبران کشورهایی مانند چین، روسیه، ایران، هند، پاکستان و قزاقستان و این کشورها که در روزهای جاری در جریان است در این شرایط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیوستن به سازمان شانگهای در سیاست نگاه به شرق ایران قابل جستجو است. نگاه به شرق، یکی از

استراتژی‌های جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که راه را برای ایفای نقش ایران در سازمان شانگهای مهیا کرده است. سیاست نگاه به شرق از زمان بر سر کار آمدن دولت نهم توجه به همکاری‌های منطقه‌ای به ویژه با کشورهای شرق افزایش یافته و قالب سیاست نگاه به شرق مورد توجه قرار گرفته است. هم سو کردن منافع اقتصادی و سیاسی کشور از طریق تطابق دوستان سیاسی و طرف قراردادهای اقتصادی مبنای اصلی این رویکرد است و تهدیدات غرب و آمریکا در مورد پرونده هسته‌ای نیز شکل‌گیری این رویکرد را تسریع نموده است. سیاست نگاه به شرق دولت نهم فقط در روابط دو جانبه خلاصه نمی‌شود، بلکه به دنبال تقویت همکاری‌های منطقه‌ای کشور است که بر مبنای منافع اقتصادی شکل گرفته است. در واقع باید گفت همکاری صرف سیاسی و امنیتی نمی‌تواند تضمین کننده آینده همکاری باشد بلکه بستر اقتصادی برای همکاری می‌تواند تضمین کننده آینده روابط منطقه‌ای و دو جانبه با کشورهای مختلف گردد (شیخ عطار، ۱۳۸۵).

سیاست نگاه به شرق را در قالب‌های ژئوپلیتیکی نیز می‌توان تفسیر نمود. واقعیت ژئوپلیتیکی در عوامل طبیعی خارجی، ثابت و پایدار است. ژئوپلیتیک به عنوان یکی از شاخص‌های قدرت ملی هر کشوری برای اتخاذ و ائتلاف تلقی می‌شود. در واقع مطلوبیت‌های ژئوپلیتیک از جمله عوامل مؤثر در بحث ارتقاء سیاست خارجی کشورها قلمداد می‌شود (ترابی، پیشین). به این ترتیب در عرصه‌های استراتژیک، کشورهایی می‌توانند از قابلیت و نقش مؤثری برخوردار باشند که از یک سو دارای توانمندی‌های ژئوپلیتیکی بوده و از سوی دیگر قادر به بهره‌گیری از این قابلیت‌ها باشند. توسعه‌های ژئوپلیتیک فرصت‌ها و چالش‌هایی را فرا روی کشورها قرار می‌دهند. در این ارتباط، کشورها مبادرت به ایجاد ائتلاف‌های ژئوپلیتیک می‌کنند. این کشورها، فرض خود را بر این امر قرار داده‌اند که با تجهیز توانمندی‌های خود به‌تنهایی قادر به تأمین اهداف استراتژیک نیستند؛ از این رو به کشورهای دیگری که با مسائل خارجی مشابهی روبرو هستند یا در همان اهداف سهیم هستند، تکیه کرده و به آن‌ها تعهداتی می‌سپارند. رقابت آمریکا با کشورهای حوزه‌ی اوراسیا و آسیای شرقی منجر به ظهور شکل جدیدی از روابط سیاسی و استراتژیک ایران با روسیه و چین گردیده است. این کشورها نیز رفتار خود را بر اساس قواعد ژئوکالچر و ژئوپلیتیک تنظیم می‌کنند و بر این امر واقف‌اند که اگر آمریکا بر مقاومت استراتژیک ایران غلبه کند در آن شرایط، شکل جدیدی از روابط تعارض بین غرب و کشورهای یادشده حاصل خواهد شد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که ایران می‌تواند نقش منطقه حائل تعادل‌گرا را ایفا کند (شیخ عطار، ۱۳۸۵). تصورات مشترک از ایستارهای ژئوپلیتیکی، در مورد امنیت، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، متداول‌ترین منشأ اتحادهای منطقه‌ای کشورها قلمداد می‌شود. البته جدای از مسائل ژئوپلیتیکی باید مشخص شود که آیا منافع ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران نیز با تقویت و گسترش سیاست نگاه به شرق تأمین می‌شود یا نه. شرق را امروز باید در چهار محور روسیه، چین، هند و جهان اسلام به تصویر کشید. این مجموعه با بیش از سی میلیون کیلومتر مربع به‌علاوه وسعت عظیم کشورهای اسلامی بخش اعظمی از خشکی‌های عالم را در اختیار دارد. از لحاظ جمعیتی نیز نزدیک به دوسوم جمعیت جهان در شرق سیاسی واقع شده است. ایران سعی کرده است از یک توازن در سیاست خارجی بهره بگیرد و این موازنه گاه در دو قرن اخیر مثبت بوده و گاه منفی؛ و در دوران جمهوری اسلامی نیز سعی شده با هر دو بلوک ارتباط برقرار شود. تا منافع و مصالحش تأمین شود؛ اما شرایط امروز دنیا متفاوت شده است. دکتر ولایتی عقیده دارند: در شرایط امروز اگر

شرقی‌ها ترجیح می‌دهند که با ایران وارد معاملاتی شوند که غربی‌ها حاضر به همکاری در مورد آن‌ها نیستند چرا ایران نباید از آن استقبال کند. پس به نظر می‌رسد در موقعیت‌هایی که غرب همکاری با ایران را محدود می‌کند و یا از آن سرباز می‌زند، راهی جز حرکت به سمت شرق باقی نمی‌ماند پس علی‌القاعده باید کشور از همکاری با شرق استقبال کند؛ زیرا امکان دستیابی به تکنولوژی برتر با هزینه بسیار کم مادی و سیاسی فراهم می‌گردد (ولایتی، ۱۳۸۵). البته می‌توان در نظر داشت تکنولوژی غربی پیشرفته‌تر از نوع شرقی آن است ولی در اختیار گرفتن آن به راحتی برای ایران امکان‌پذیر نیست و غرب برای در اختیار گذاشتن این فناوری امتیازهای سیاسی غیرقابل قبولی از ما مطالبه خواهد کرد. چنانچه گفته شد مهم‌ترین مبنای برای برقراری روابط و همکاری در عرصه بین‌المللی حفظ مصالح جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس هر کشور یا بلوکی که نیازمندی‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی، علمی و فرهنگی ایران را راحت‌تر و با هزینه کمتر تأمین کند باید مورد توجه قرار گیرد. البته مبنای محاسبه در حفظ منافع ایران هم فقط سود مادی نیست بلکه مسائل غیرمادی مانند اصل استقلال نیز باید در نوع روابط مورد توجه قرار گیرد. افق همکاری ایران با شرق یعنی چین و روسیه و دیگر کشورهای شرقی را می‌توان در همکاری استراتژیک دید. بعضی‌ها می‌گویند کشورهای شرقی در همکاری با ایران ممکن است ما را وجه‌المصالحه همکاری با آمریکا و غرب قرار دهند (کولایی، ۱۳۸۶) این نگرانی وجود دارد ولی باید گفت این نگرانی در مورد همه کشورها وجود دارد مثل رفتار فرانسوی‌ها در برابر ایران با فتح‌علی شاه قاجار در مورد پیمان تیلست با روسیه در تعامل پیمان فین کن اشتاین با ایران، یا رفتار غربی‌ها در مورد هند و پاکستان که به راحتی متحد خود را در مقابل منافعی در هند قربانی کردند. مسئله‌ای که باعث دلگرمی در روابط با شرق می‌شود این است که اساساً ایران چون خود شرقی است لذا گرایش‌های شرقی قوی‌تری هم دارد و شرقی‌ها در روابط بین‌الملل عملکرد قابل دفاع‌تری دارند. کشوری مثل چین هیچ سابقه قابل‌ذکری از استعمارگری ندارد. در مقابل غربی‌ها سابقه ۵۰۰ ساله در استعمار دارند که نمونه امروزی آن را در عراق می‌توان مشاهده کرد. این شواهد ما را به سمت همکاری با شرق سوق می‌دهد در عین حال ما را نسبت به حفظ منافعمان هوشیار می‌کند که در هر رابطه‌ای چه شرق و چه غرب به عنصری منفعل تبدیل نشویم (ولایتی، ۱۳۸۵).

بدون شک ایران به اهمیت کشورهای آسیای مرکزی در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی پی برده است ارزش ژئو استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی در ذخایر عظیم انرژی و دیگر منابع طبیعی این مناطق است که بازارهای جهان به آن نیازمندند و نقش این منطقه که همچون یک پل طبیعی بین اروپا و آسیا قرار گرفته است. آسیای مرکزی دروازه‌ای به سه منطقه است که خود از اهمیت استراتژیک بیشتری برخوردارند و این کشورهای جوان آسیای مرکزی خواهان دستیابی به ثبات و امنیت هستند. آقای ولایتی ضمن اعتقاد به آسیای مرکزی به عنوان ابزاری برای ارتقای اهداف عقیده دارند، ایران همسایه‌های جدیدی در شمال دارد که مایل است با آن‌ها همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه منطقه‌ای خود را گسترش دهد. برخورداری ایران و این کشورها از ویژگی‌های کلی و عمومی تاریخی، موقعیت‌های بی‌نظیر و شکوهمندی را تعامل و همکاری بین آن‌ها به وجود آورد. ایران همواره بعد از استقلال این کشورها سعی کرده است که برای ارتباطات خود را با این کشورها تعمیق ببخشد که از جمله آن‌ها می‌توان به تلاش ایران برای فرو نشاندن جنگ تاجیکستان به همراه ازبکستان، تلاش برای فرو نشاندن جنگ افغانستان، حمایت ایران

از طرح پیشنهادی ازبکستان در مورد افغانستان در سال ۱۹۹۶، حمایت ایران از برگزاری نشست ۶+۲ در مورد افغانستان و حضور ایران در کنفرانس تاشکند در سال ۱۹۹۹ و امضای بیانیه تاشکند اشاره کرد. ایران به نوبه خود کمک‌های عمده‌ای به تاجیکستان کرد و در برقراری امنیت در منطقه مشارکت نمود. اهداف مشترک ایران و ازبکستان برای آوردن صلح به تاجیکستان سبب تسهیل امضای پیمان صلح در سال ۱۹۹۷ گشت و روند آشتی مجدد را در تاجیکستان به راه انداخت. لذا به سقف تلاش‌های مشترک ایران و ازبکستان و دیگر کشورهای همسایه به‌ویژه روسیه جنگ‌های داخلی تاجیکستان متوقف شد. در پی آن منابع غربی بیان نمودند که جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های ویژه‌ای به نفع مصالح منطقه‌ای انجام داده است. که ایران ساخت جاده‌های ماشین‌رو و ریلی، فراهم نمودن خطوط کشتیرانی و حمل کالا با کشتی و در دریای خزر، افتتاح خطوط هوایی و همین‌طور بهبود و تجهیز بنادر در فرصت‌های حمل کالا با کشتی در جهت رفع نیازهای جدید منطقه را بر عهده داشت. ایران امروز به دلیل برتری ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئو اکونومیک در حوزه دریای خزر در خلیج فارس از موقعیت نقش‌آفرینی برخوردار است. امروز مشخص شده که صحنه اصلی شطرنج قدرت‌ها در اوراسیا خواهد بود و خلیج فارس نیز به عنوان هارتلند این صحنه که منافع قدرت‌ها عمدتاً در آن تلاقی می‌یابد از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. پیچیدگی وابستگی متقابل در جهان کنونی، دستیابی به یک رژیم امنیت بومی پایدار و به دور از نقش مداخله جویانه و تخریبی عنصر خارجی در منطقه آسیای مرکزی را با محوریت سه کشور مهم صاحب منافع یعنی چین، روسیه و ایران ضروری ساخته است. هرچند ترتیبات امنیتی - اقتصادی آسیای مرکزی مانند اتحادیه اقتصادی آسیای مرکز در سال ۱۹۹۸ (CAEC) معاهده امنیت جمعی تاشکند در سال ۱۹۹۲ (CST) و همکاری‌های امنیتی و اقتصادی بین کشورهای غرب خزر در گوام^۱ به وجود آمده ولی این اقدامات به دو دلیل یکی تلاش روسیه برای احراز نقش یک هژمون منطقه‌ای و دوم فقدان منطقه‌گرایی و عدم تعامل منطقه‌ای میان کشورهای استقلال‌یافته جماهیر شوروی سابق ناکام مانده است.

پس در آسیای مرکزی همکاری‌های میان منطقه‌ای می‌تواند نقش اساسی داشته باشد که تمایل و توانایی مشترک در بین کلیه اعضاء به منظور مشارکت فعال در مسائلی نظیر برقراری امنیت و صلح منطقه‌ای و بین‌المللی تحقق پیدا کند. نقش ایران نیز به دو دلیل دو وجهی بودن یعنی اشتراکات هویتی میان دو منطقه مهم خاورمیانه و آسیای مرکزی حائز اهمیت است و آن حرکت از نظم قدیم منطقه‌ای به ژئوپلیتیک نوین است (شعبی، ۱۳۸۵). این حرکت با همکاری و تعامل با سازمان همکاری شانگهای (SCO) تکوین خواهد یافت. اگر ایران بتواند نقش همکاری جویانه و قابل توجهی در این پیمان ایفا کند منافع و سودمندی‌های بیشتری را برای آینده امنیتی و منطقه‌ای خود فراهم خواهد آورد. لذا تهران باید به گونه‌ای از این پیمان استقبال کند که این ترتیبات منطقه‌ای بتواند فقدان منطقه‌گرایی خاورمیانه‌ای کشور را تا حد زیادی برطرف کند حضور ایران در این پیمان می‌تواند آرایش و قدرت در سطح منطقه‌ای و بالطبع رویکرد ایجابی را برای آینده امنیت بین‌المللی به وجود آورد که تهران می‌تواند به مرکز ثقل دو منظومه امنیتی یعنی آسیای مرکزی و خاورمیانه تبدیل شود؛ و در کل حضور ایران در پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند تا

^۱.Guvam

حد زیادی امنیت ملی را با توجه به تحولات عرصه بین‌الملل به امنیت دسته‌جمعی در قالب منطقه‌ای، امنیت فراگیر و در نهایت امنیت جهانی پیوند زده و یکی از شاخه‌های اصلی فضای امنیتی جهان معاصر که در تولید انبوه ناامنی گرفتار آمده است، حداقلی ساخته و نوعی پوشش امنیتی جدید را با توجه به تحولات جهانی شدن بسترسازی کند. به گفته برخی تحلیل‌گران، تلاش‌های ایران در زمینه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای حوزه خزر و منطقه آسیای میانه می‌تواند موقعیت منطقه‌ای را تقویت کند و ایجاد یک ائتلاف سیاسی با کشورهای این منطقه می‌تواند راهبردی برای مقابله با تحریم‌های غرب علیه تهران باشد. موسسه مطالعاتی DINR در تحلیلی می‌نویسد: با وجود افزایش تنش‌ها بین ایران و آمریکا، همکاری اقتصادی کنونی تهران و سیاست انرژی آن ممکن است به شکلی مؤثر یک ضد ائتلاف را ایجاد کند که می‌تواند اساساً بر توازن کنونی قدرت تاثیر بگذارد و موقعیت منطقه ایران را تقویت کند. بندتا برتی (Benedetta Berti) نویسنده این مطلب می‌نویسد: تأکید فزاینده ایران بر انرژی و همکاری اقتصادی در آمریکای لاتین، آسیای میانه و منطقه دریای خزر به عنوان ارکان اصلی سیاست خارجی آن نشانه‌های بزرگی از این مسیر استراتژیک می‌باشد. در حقیقت این‌گونه روابط و همکاری‌ها آسیب‌پذیری تهران در برابر تحریم‌های احتمالی و فشارهای غرب را کاهش می‌دهد.

البته نگاه و رویکرد رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز طبق سخنان آقای احمدی‌نژاد در کنفرانس سالانه ایران در مورد آسیای میانه و قفقاز در سال جاری رویکردی دوستانه نسبت به کشورهای آسیای میانه می‌باشد. دکتر مهدی سنایی در زمینه گسترش همکاری با کشورهای آسیای میانه بر این باور است که نقش بسیار تأثیرگذار این کشورها به‌ویژه ازبکستان در معادلات منطقه‌ای و جایگاهی که این کشور در حوزه فرهنگی منطقه ایفا می‌نماید می‌تواند، ایران در ایفای نقشی فعال در زمینه صلح و ثبات کمک کند. دکتر گیولی خوبوا رئیس دانشگاه تفلیس در مورد اهمیت روزافزون کشورهای شرقی و آسیای میانه می‌گوید: علاقه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به کشورهای شرقی و آسیای میانه در جهان معاصر روز بروز افزایش می‌یابد و دلیل آن پتانسیل و نقش روزافزون این کشورها در حل مشکلات جهانی است. معروفیت مسئله منطقه‌گرایی در سیاست و اقتصاد جهان باعث بروز آشکارتر منافع مشترک و متفاوت غرب و شرق می‌گردد. البته ایران نیز در همین راستا در سال‌های اخیر روابط اقتصادی بسیار خوبی با این کشورها اعم از ترکمنستان و تاجیکستان برقرار کرده است به طوری که حجم روابط بازرگانی ایران و جمهوری ترکمنستان در سال ۲۰۰۵ از مرز یک میلیارد دلار گذشت در نیمه اول سال ۲۰۰۶ ایران پس از روسیه دومین کشور خریدار گاز طبیعی مایع و پلی پروپیلین ترکمنستان بوده است. ایران در زمینه‌های اقتصادی حضور فعالی در تاجیکستان نیز دارد. به عنوان مثال می‌توان از احداث تونل انزاب در کریدور شمال - جنوب که در مسیر کشورهای روسیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان و ایران قرار دارد و بازگشایی آن می‌تواند خلیج فارس را با ایجاد راه ترانزیت به کشورهای آسیای مرکزی پیوند دهد نام برد. ایران همچنین در منابع نفت و گاز، معادن، آب و برق، کشاورزی و راه‌های معاملاتی در تاجیکستان فعال می‌باشد می‌تواند تأثیر زیادی در امنیت و ثبات منطقه و تأمین منافع کشورها باشد. لذا سازمان شانگهای فرصت ارزشمندی را در اختیار ایران قرار می‌دهد تا برای دستیابی به منافع ملی خود و نیز تأمین ثبات در منطقه تلاش بیشتری نماید.

هرچند ایران همواره به سهم خود تلاش نموده است تا هم در عرصه‌های اقتصادی و هم در عرصه‌های پیشگیری از منازعات و مدیریت بحران‌های موجود در منطقه نقش سازنده‌ای داشته باشد. امروز ایران می‌تواند پشتتاز و ارائه دهنده پیشنهاد‌های مختلف برای همکاری‌های منطقه‌ای باشد و همگرایی سیاسی و اقتصادی را برای این منطقه به ارمغان بیاورد. ایران و آسیای مرکزی قرابت دینی نزدیکی نیز باهم دارند. به این ترتیب که علیرغم اینکه قوانین اساسی جمهوری‌ها بر اصل تفکیک دین دولت تأکید می‌نمایند اما رهبران آسیای مرکزی به ویژه در سال‌های اولیه پس از استقلال به آشکاری از آموزش‌های دین و گسترش آگاهی از اسلام حمایت کرده‌اند. چنانچه حتی نظر بایف رئیس جمهور قزاقستان که رهبری کشوری با نزدیک با ۵۰ درصد جمعیت غیرمسلمان را بر عهده دارد شخصاً فرمان ساخت مسجد جدیدی در آلماتی را صادر کرد و حتی به همراه همسرش در نماز عید فطر شرکت نمود. اشتیاق مردم به تأسیس مدارس و آموزشگاه‌های دینی و مساجد، شرکت در اعیاد و مراسم دینی شرکت در نمازهای جماعت، برگزاری نماز عید فطر با حضور جمعیت انبوه، چاپ و توزیع گسترده قرآن و کتاب‌های دینی و حتی نصب برجسب‌هایی با کلمات مذهبی روی شیشه اتومبیل‌ها را نیز وان به آن‌ها اشاره کرد؛ اما جمهوری اسلامی ایران علیرغم شرایط مطلوب برای نزدیکی به کشورهای آسیای میانه می‌بایستی دو تغییر مهم در کار با آسیای مرکزی انجام دهد. اولی عبارت از آن است که باید تلاش‌ها را نه در جهت مکانیزه‌ای بین دولتی، تشریفات و توافقات سیاسی بلکه برای به واقعیت پیوستن پروژه‌هایی که بنیان‌های منطقه‌گرایی را تحکیم می‌بخشد به کاربرد و دومی عبارت از آن است باید از هم‌ترازی کشورها در سیستم منطقه‌ای چشم‌پوشی کرده و تفاوت عمل در رشد منطقه آسیای مرکزی را به سمت حمایت هر چه بیشتر از کشورهای کوچک منطقه هدایت نماید؛ زیرا که آن‌ها اولاً بیشتر از بقیه در شکل‌گیری منطقه‌دینفع هستند و ثانیاً مشکلاتی بیشتر و کاستی‌هایی در منابعی که به آن‌ها اجازه می‌دهد در ساختمان منطقه شرکت داشته باشند، دارند.

یافته‌های تحقیق

در راستای تحلیل استنباطی ۳ مؤلفه حاضر (تأثیر تحریم‌های پس‌ابرجام در روابط میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای، مهم‌ترین دلایل گرایش جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای و همچنین تأثیر ارتقاء روابط میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای در جهت کاهش فشارهای اقتصادی برای ایران پس از تحریم‌های پس‌ابرجام) در جهت به دست آوردن روابط میان گویه‌های هر یک از شاخص‌های حاضر و آزمون‌گیری آنان از روش آزمون گابریل از نوع آزمون‌های one anoway در نرم‌افزار spss و همچنین در راستای ترسیم نمودارهای متغیرها از مجموعه نمودارهای area graph و line plot of mean از نرم‌افزار minitab استفاده می‌گردد و سپس به تحلیل هر یک از اجزاء پرداخته خواهد شد.

تحلیل نمودار area graph بر اساس طیف لیکرت مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفت که فرمول آن به صورت (کاملاً موافقم: ۵، موافقم: ۴، نظری یکسان دارم: ۳، مخالفم: ۲ و کاملاً مخالفم: ۱) است.

تحلیل تأثیر تحریم‌های پس‌ابرجام در روابط میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای

متغیر حاضر از جمله تعداد ۲۷ شاخص را تشکیل می‌دهد که در این زمینه به بررسی یکایک شاخص‌های حاضر از

نظر کمی و کیفی پرداخته می‌شود.

ارزیابی بهبود روابط ایران و چین پس از تحریم‌های پسابرجام

پس از خروج آمریکا از برجام، اتفاقات و بحران‌های پس از آن، وضعیت در حال تحول بین‌المللی تنها به منزله ایجاد فرصت برای چین به منظور پرکردن خلاء حضور آمریکا در نظم چندجانبه موردنظر پکن نیست. کنش‌های یک جانبه‌گرایانه آمریکا سبب شده است تا این مسئله به مثابه تیغی دو لبه برای چین عمل کند. این کنش یک‌جانبه ضمن آنکه سبب به هم‌ریختگی و آشفتگی در نظم بین‌المللی شده است باعث شده تا فشارهای ساختاری از جانب آمریکا بر چین از جنبه‌های مختلف تشدید شود. این تحولات بالطبع و بدون شک منافع چین را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است؛ به‌عنوان مثال می‌توان به مواردی همچون:

۱- فشارهای تجاری و اقتصادی در قالب جنگ تجاری و تعرفه‌ها: انتقاد و حملات لفظی به سیاست‌های تجاری چین از جانب ترامپ و عملیاتی کردن این تهدیدات در قالب وضع تعرفه بر کالاهای وارداتی چین به آمریکا سبب شد تا چین در حاشیه اجلاس دسامبر ۲۰۱۸ گروه ۲۰ در کشور آرژانتین به مذاکره با آمریکا روی بیاورد. نتیجه این مذاکرات تعلیق اعمال تعرفه‌ها و ادامه دادن به مذاکرات برای رسیدن به یک توافق جامع بوده است. رسیدن طرفین به یک توافق جامع را نمی‌توان مسئله‌ای دور از ذهن دانست.

۲- فشارهای نظامی و امنیتی در قالب تلاش برای وارد نمودن چین به پیمان‌های کنترل تسلیحاتی: دولت آمریکا اگرچه روسیه را متهم به نقض پیمان‌های مرتبط با کنترل تسلیحات از جمله پیمان INF می‌کند با این حال باید گفت بخش بزرگی از نگرانی‌های آمریکا در قبال این موضوع، زرادخانه‌ای بزرگ و گسترده از موشک‌های بالستیک میان‌برد چین و عدم نظارت در چارچوب پیمان‌های موردنظر بر برنامه‌های موشکی این کشور است. چین تاکنون درخواست آمریکا برای مذاکره و ورود به این پیمان را رد کرده است.

۳- تلاش برای مهار و یا کند نمودن روند تبدیل شدن چین به قدرت نرم‌افزاری و تکنولوژیک: برنامه‌های جاه‌طلبانه چین از جمله برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" از منظر آمریکا به منزله به چالش کشیدن قدرت تکنولوژیک این کشور است. افزودن ابعاد امنیتی به این برنامه‌های جاه‌طلبانه چین از جانب آمریکا موضوعی است که در ماه‌های اخیر پررنگ شده است. در این زمینه به عنوان مثال می‌توان از مواردی همچون دستگیری مینگ وانزو یکی از مدیران ارشد شرکت هواوی و به دنبال آن اعلام جرم علیه این شرکت توسط مقامات ارشد امنیتی فدرال آمریکا در ژانویه ۲۰۱۹ به اتهام کلاهبرداری بانکی و سرقت اسرار تجاری از آمریکا نام برد.

در حال حاضر و در شرایط فعلی، اگر از بعد وسیع‌تر به این مسئله نگاه شود، مشخص می‌شود که آینده روابط ایران و چین تا حدود زیادی به خروجی مذاکرات میان ایران و اتحادیه اروپا بستگی خواهد داشت. اگر ایران و اتحادیه اروپا در مورد ادامه برجام به توافق چشمگیری دست یابند، چین نیز به حفظ توافق هسته‌ای کمک خواهد کرد. تلاش‌های آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در سفر اخیر خود به چین به منظور متقاعد کردن مقامات پکن برای همکاری بیشتر در مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا برای حفظ برجام نیز نشانگر این موضوع است؛ اما اگر مذاکرات میان ایران و اتحادیه اروپا برای حفظ برجام به شکست بینجامد، روابط میان چین و ایران نیز پیچیدگی بیشتری را شاهد خواهد بود و با محدودیت‌های زیادتری روبرو خواهد شد.

شرکت‌های بزرگ چینی نیز مانند شرکت‌های اروپایی بخشی از زنجیره جهانی ارزش^۱ در اقتصاد سیاسی بین‌الملل هستند و در بخش‌های مختلفی فعالیت می‌کنند و جریم‌های احتمالی آمریکا علیه این شرکت‌ها می‌تواند هزینه‌های زیادی بر آن‌ها وارد کند؛ مثلاً پس از کناره‌گیری شرکت توتال از مشارکت در طرح ۴٫۸ میلیارد دلاری توسعه فاز ۱۱ میدان گازی^۲ پارس جنوبی (این توافقنامه بزرگ‌ترین قرارداد امضا شده با ایران پس از اجرایی شدن برجام بود)، شرکت ملی نفت چین که سهم آن در این قرارداد ۳۰ درصد است، برای همکاری با ایران با دشواری‌های جدیدی روبرو خواهد شد. احتمال کمی دارد که شرکت‌های چینی پس از اجرایی شدن دوباره تحریم‌ها علیه ایران در بازار این کشور حضور گسترده‌ای داشته باشند. به همین دلیل نیز شرکت ملی نفت چین علیرغم حق خود، تاکنون برای گرفتن جای توتال در پروژه پارس جنوبی علاقه چندانی از خود نشان نداده است. به احتمال زیاد، پس از محدود شدن فعالیت شرکت‌های بزرگ چینی در ایران، شرکت‌های کوچک و متوسط این کشور که وابستگی کمتری به بازار آمریکا یا جهان دارند، در شکل‌گیری روابط تجاری و مالی جدید میان ایران و چین نقش اساسی را برعهده خواهند گرفت. حجم تجارت ۳۷ میلیارد دلاری میان ایران و چین، تنها ۰٫۸٪ از کل تجارت خارجی چین را شامل می‌شود و در حالی که این میزان برای چین رقم چندان مهمی نیست، اما برای ایران اهمیت حیاتی دارد. نفت خام مهم‌ترین قلم تجاری میان دو کشور است. به همین دلیل نیز ادامه خرید نفت خام ایران توسط پکن نشانگر رویکرد چین نسبت به توافق هسته‌ای بدون آمریکا و واکنشی نسبت به فشارهای واشنگتن خواهد بود. ایران نزدیک به ۸۰ درصد از نفت خود را به کشورهای آسیایی می‌فروشد و پکن نیز بزرگ‌ترین خریدار نفت خام ایران است.

دیگر خریداران عمده نفت ایران مانند هند، ژاپن و کره جنوبی به دلیل روابط نزدیکی که با واشنگتن دارند، حتماً در مقابل فشارهای آمریکا مقاومت کمتری نسبت به چین نشان خواهند داد. به همین دلیل نیز به نظر می‌رسد چین آخرین کشوری خواهد بود که واردات نفت از ایران را کاهش خواهد داد. البته روند بازار جهانی نفت نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری پکن در مورد تجارت نفت با ایران خواهد داشت؛ اما یافتن راه حلی جدید برای ادامه فعالیت‌های بانکی میان ایران و چین نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی، مشکل‌تر خواهد بود. حاکمیت مطلق آمریکا بر نظام مالی جهان و وابستگی شدید چین و اروپا به این نظام مالی، باعث خواهد شد که بروکسل و پکن در مورد فعالیت بانکی و نقل و انتقالات مالی با ایران دچار محدودیت‌های زیادی باشند. در این مورد نیز سازوکار احتمالی که اتحادیه اروپا ارائه خواهد داد، تأثیر مستقیمی در جهت‌گیری چین خواهد داشت. تقویت روابط ایران با چین و دیگر کشورهای عضو برجام پس از خروج آمریکا از آن، با دشواری‌های زیادی همراه خواهد بود؛ اما در نهایت ایران و چین به عنوان دو کشور مهم و تاثیرگذار در نظام بین‌الملل، منافع و اهداف مشترکی برای گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف دارند و آنچه روابط این دو را تاکنون در وضعیتی پایدار حفظ نموده همکاری آنان بر اساس مدل (نیاز - فرصت) بوده است. همواره پکن در بحران‌های حساس منطقه‌ای و جهانی، یکی از مهم‌ترین متحدان تهران نیز محسوب می‌شده است.

به عنوان نمونه می‌توان به حمایت‌های چین از ایران در شرایط سخت تحریم‌ها، تداوم بی‌اعتمادی ایران به غرب،

^۱. Global Value Chain

^۲. CNPC

الزامات اقتصادی متقابل، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران برای چین، لزوم مقابله با افراط‌گرایی، تروریسم و بنیادگرایی و همچنین مخالفت با نظم موجود بین‌المللی و یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده و استفاده از فرصت‌های به وجود آمده، خصوصاً آن که برقراری ارتباط عمیق‌تر دو کشور واکنش تند سیاسی قدرت‌های غربی را در پی نخواهد داشت، سطح مناسبات خود را ارتقا بخشیدند و این‌چنین به نظر می‌رسد که در تحریم‌های پسابرجام نیز کشور چین یکی از حامیان اصلی جمهوری اسلامی ایران همچنان محسوب گردد:

در این زمینه ۳ گویه ذیل به عنوان مؤلفه‌های اصلی شاخص حاضر مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

X1= تحریم‌های پسابرجام و نقش آن در نزدیکی روابط اقتصادی میان ایران و چین.

X2= تحریم‌های پسابرجام و نقش آن در ارتقاء واردات کالا از چین به ایران.

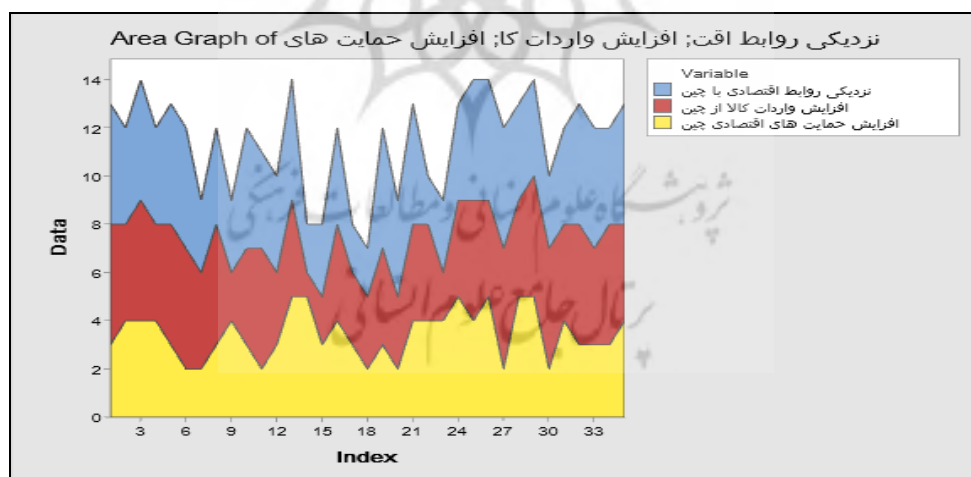
X3= تحریم‌های پسابرجام و نقش آن در افزایش حمایت‌های اقتصادی و سیاسی چین از ایران.

جدول ۱: ارزیابی نقش تحریم‌های پسابرجام در بهبود روابط ایران و چین بر اساس آزمون Anova

ANOVA					
	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	3.379	3	1.126		1.363.0272
Within Groups	25.621	31	.826		
Total	29.000	34			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

نتایج جدول نشان می‌دهد که در مجموع ۸۲٪ از کارشناسان بر این عقیده هستند تحریم‌های پسابرجام سبب بهبود میان روابط ایران و چین خواهد شد.



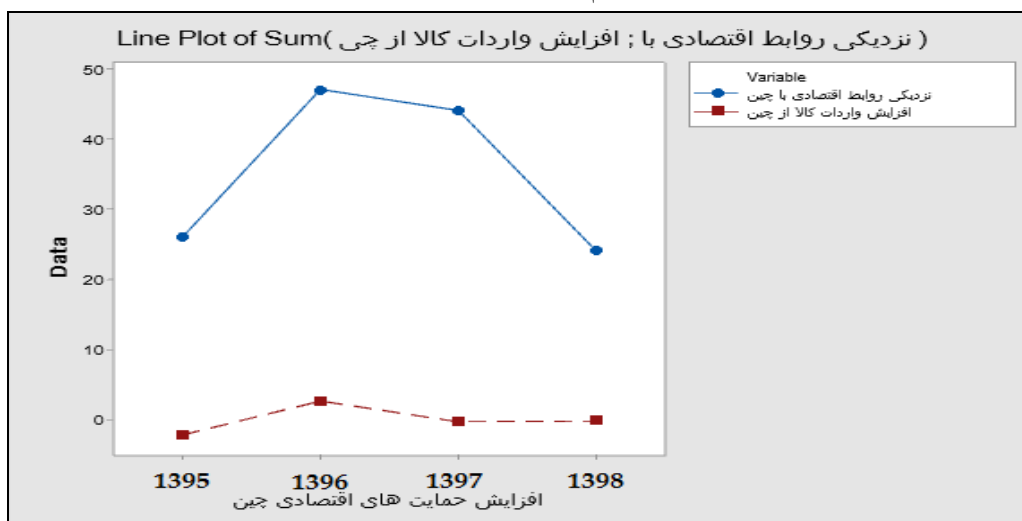
نمودار ۷- ارزیابی نقش تحریم‌های پسابرجام در بهبود روابط ایران و چین، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بر اساس نمودار گراف، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افزایش حمایت‌های اقتصادی چین از ایران در شرایط تحریم‌های پسابرجام، سطح پایین‌تری را نسبت به دو مؤلفه دیگر داراست.

ارزیابی وضعیت حمایت‌های چین از ایران پس از تحریم‌های پسابرجام

در راستای ارزیابی وضعیت حمایت‌های چین از ایران پس از تحریم‌های پسابرجام، با توجه به نظریه‌های اقتصادی و ارتباط مستقیم میان شاخص افزایش واردات کالا پس از برجام‌ها و نیز حمایت‌های اقتصادی چین از ایران در

پساتحریم از مدل نمودار line plot of mean در نرم‌افزار minitab استفاده می‌گردد.



نمودار ۴-۸- ارزیابی وضعیت حمایت‌های چین از ایران پس از تحریم‌های پسابرجام، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بر اساس نمودار ۴-۸ که بر مبنای داده‌های پرسشنامه در محیط نرم‌افزار minitab صورت گرفته است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حمایت‌های چین از جمهوری اسلامی ایران پس از تحریم‌های پسابرجام آمریکا علیه ایران در سال ۱۳۹۸ کاهش خواهد یافت.

ارزیابی وضعیت اقتصادی ایران پس از تحریم‌های پسابرجام

اقتصاد کشور ایران طی چند سال اخیر و با تشدید تحریم‌ها در وضعیت نابسامانی قرار گرفته بود که نرخ تورم بالا، نرخ رشد اقتصادی پایین، تشدید بیکاری به ویژه در میان جوانان، رکود و افت تولید، کاهش امنیت اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری ریسک و.. از مهم‌ترین نشانه‌های آن بودند. به هر حال، اجرای برجام با افزایش درآمدهای نفتی و کاهش تلاطمات ارزی، استرداد بخشی از حساب‌های بلوکه شده شرکت نفت و بانک مرکزی از خارج از کشور، افزایش امنیت سرمایه‌گذاری، کاهش تورم و.. موجب شد ثبات اقتصادی کلان افزایش یابد و بانک مرکزی توانایی بیشتری پیدا نمود تا متغیرهای پولی همچون نرخ سود سپرده، نرخ سود تسهیلات و نرخ رشد نقدینگی و به تبع آن تورم را کنترل کند.

دولت آمریکا روز دوشنبه به طور رسمی اعلام کرد که معافیت ۶ ماهه هشت کشور از شمول تحریم خرید نفت ایران با اتمام در دوم ماه می (۱۲ اردیبهشت ماه) تمدید نخواهد شد و پروژه به صفر رساندن صادرات نفت خام ایران را تا بروز تغییر در رفتار حکومت ایران با قوت ادامه خواهد داد.

مطابق آخرین اعلام دبیرخانه اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت)، تولید روزانه نفت ایران در ماه مارس گذشته با کاهش ۲۸ هزار بشکه‌ای به پایین‌تر از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه رسید که پایین‌ترین سطح تولید نفت ایران در ۵ سال گذشته محسوب می‌شود.

در همین حال خبرگزاری رویترز اعلام کرده صادرات نفت خام ایران در نیمه اول ماه آوریل به زیر یک میلیون بشکه سقوط کرده است. روند نزولی صادرات نفت ایران از سال گذشته خورشیدی با رشد منفی اقتصاد، ادامه صعود نرخ ارز و تورم همراه شده است.

مطابق قانون بودجه سال ۱۳۹۸ خورشیدی دولت موظف است برای تأمین منابع بیش از ۱۵۸,۵ هزار میلیارد تومان از محل فروش نفت و فرآورده‌های آن، درآمد کسب کند. این رقم معادل ۳۵ درصد از منابع عمومی دولت در سال جاری خورشیدی و ۶۲,۵ درصد مجموع درآمد سالانه حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی است. پس دولت برای تأمین این میزان از درآمد مصوب در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ در مجموع باید ۲۵۳,۶ هزار میلیارد تومان از محل فروش نفت و فرآورده‌های آن عایدی داشته باشد چرا که از مجموع درآمد نفتی ایران ابتدا ۲۰ درصد به عنوان سهم صندوق توسعه ملی کسر می‌شود و ۱۴,۵ درصد نیز برای تأمین اعتبار سرمایه‌گذاری‌های و عملیات شرکت ملی نفت ایران اختصاص می‌یابد و ۳ درصد هم برای توسعه استان‌های کمتر توسعه یافته در نظر گرفته شده است.

همچنین دولت ایران متعهد شده تا در سال ۱۳۹۸ معادل ۱۴ میلیارد دلار ارز به نرخ ۴ هزار و ۲۰۰ تومان برای تأمین کالاهای اساسی کشور اختصاص دهد. این رقم برابر است با ۵۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان از درآمد نفتی دولت در قانون بودجه؛ بنابراین اگر نزدیک به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان باقیمانده نیز بخواهد از محل فروش ارز بر پایه نرخ ۱۳ هزار و ۷۵۰ تومانی سامانه رسمی سنا تأمین شود، نیاز به عرضه ۷,۱ میلیارد دلار درآمد نفتی وجود دارد. بدین ترتیب دولت برای تأمین درآمد ریالی مصوب قانون بودجه سال ۱۳۹۸ خورشیدی از محل فروش نفت و فرآورده‌های آن، نیاز به فروش ۲۱,۱ میلیارد دلار ارز و صادرات حدود ۳۳,۸ میلیارد دلار نفت و فرآورده‌های آن دارد. با فرض نرخ ۶۴ دلاری فعلی نفت ایران، درآمد ۳۳,۸ میلیارد دلاری در سال ۱۳۹۸ با صادرات روزانه ۱,۴۸ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های آن امکان‌پذیر خواهد بود. اگر در بدبینانه‌ترین حالت، صادرات نفت خام ایران به صفر برسد ولی ایران همچنان بتواند روزانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه از فرآورده‌های نفتی خود را با توسل به راهکارهای دور زدن تحریم‌ها بفروشد، آن‌گاه درآمد ارزی ایران در سال ۱۳۹۸ به حدود ۱۱ میلیارد دلار خواهد رسید. از این میزان درآمد، نزدیک به ۷ میلیارد دلار قابل تزریق به بودجه دولت خواهد بود. لذا برای تأمین درآمد ۱۵۸,۵ هزار میلیارد تومانی کافی است دولت نرخ فروش دلار در بازار را به ۲۲ هزار و ۶۰۰ تومان برساند.

بنابراین میزان توانایی ایران در ادامه فروش نفت خارج از چارچوب تحریم‌های آمریکا و نیز سیر صعودی قیمت جهانی نفت از جمله عوامل اصلی در کاهش رشد نرخ دلار و کاهش شتاب نرخ تورم خواهد بود. می‌توان فرض کرد اثرات تحریم‌های جدید بر شاخص‌های اقتصادی، از جمله رشد اقتصادی، تورم، و بهره‌وری عوامل تولید، حداقل به‌مانند تجربه‌های تحریمی قبلی خواهد بود. بر این گمانه دلایل چندی مترتب است از جمله:

- وضعیت رکود تورمی به معنی ایستایی رشد اقتصادی هم‌زمان با تورم، هرچند به لحاظ نظری وضعیت اقتصادی کشور در دو سال پیاپی بحرانی خواهد بود، اما اثرات آن همچنان بر فضای اقتصادی کشور حاکم است. محتمل است که با اعمال تحریم‌های جدید توسط آمریکا و متحدان و متعاقباً کاهش معنی‌دار در چهار عامل تولید، درآمد، اشتغال و تجارت (محدی پلارتنی، ۱۳۹۴) کشور مجدداً در چرخه بدشگون رکود تورمی قرار گیرد.
- بروکراسی متورم و افزایش هزینه‌های دولت (و اندازه دولت)، در نیمه دوم سال ۳۰ حداقل ۳۵ درصد بیشتر از سال ۳۵ است؛ حتی اگر فقط بودجه جاری، هزینه کارکنان دولت، هزینه‌های خدمات اجتماعی، یارانه‌ها و سلامت را در نظر بگیریم. تجربه تحریم‌های قبلی، نشان داده دولت پهن دامنه ایران، که تنها ۳۵ درصد آن هم به صورت

پیمانکاری در بخش خصوص حک شده است. (بختیار نژاد، ۱۳۸۵) پویایی اقتصادی خود را در برابر چالش‌های بیرونی از دست می‌دهد.

• تحریم‌های جدید در کنار کاهش تولید ناخالص داخلی، از یک سوی، کاهش ارزش پول و محدودیت‌های مالی را به همراه داشته و از سوی دیگر، بخش‌های تولیدی مختلف را جهت ادامه فعالیت با مشکل مواجه می‌کند (سازمان برنامه‌بودجه کشور، ۱۳۹۸).

در این زمینه ۳ گویه ذیل به عنوان مؤلفه‌های اصلی شاخص حاضر مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

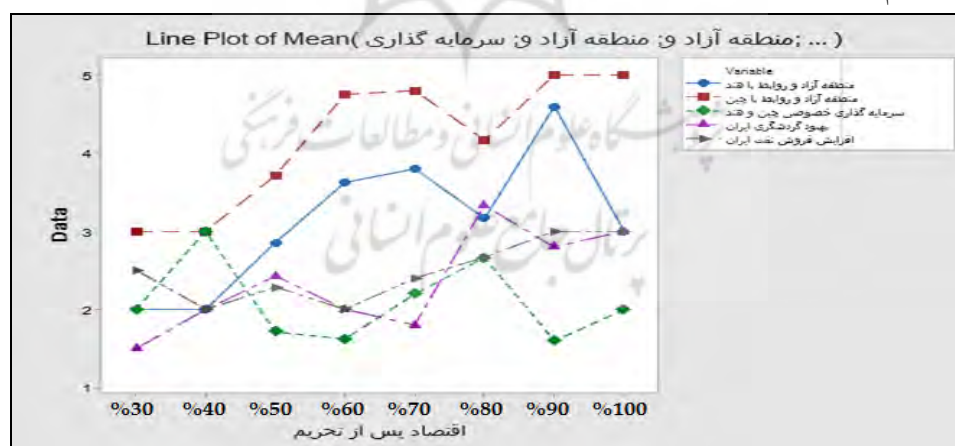
- X1 = تحریم‌های پسابرجام، سبب افزایش فروش نفت ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای.
- X2 = تحریم‌های پسابرجام و بهبود نقش مناطق آزاد و ارتقاء روابط اقتصادی ایران و هند.
- X3 = تحریم‌های پسابرجام و بهبود نقش مناطق آزاد و ارتقاء روابط اقتصادی ایران و چین.
- X4 = تحریم‌های پسابرجام و افزایش سرمایه‌گذاری‌های خصوصی کشورهای چین و هند در ایران.
- X5 = تحریم‌های پسابرجام و رونق گردشگری ایران و به ویژه ارتقاء سطح روابط فرهنگی میان ایران و کشورهای شانگهای.

جدول ۳: ارزیابی وضعیت اقتصادی ایران پس از تحریم‌های پسابرجام بر اساس آزمون Anova

ANOVA					
	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	1.957	6	.326	.625	.709
Within Groups	14.614	28	.522		
Total	16.571	34			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

نتایج جدول نشان می‌دهد که در مجموع ۳۰٪ از کارشناسان بر این عقیده هستند که وضعیت اقتصادی ایران پس از تحریم‌های پسابرجام مثبت خواهد بود.



نمودار ۴-۸- ارزیابی وضعیت اقتصادی ایران پس از تحریم‌های پسابرجام بر اساس نمودار line plot. منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بر اساس نمودار گراف، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در راستای تحلیل اقتصاد ایران پس از تحریم‌های پسابرجام، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خصوصی هند و چین با توجه به اینکه عدد مفروض گزینه کم (سرمایه‌گذاری بسیار پایین) را در انتهای نمودار نشان می‌دهد، بسیار کاهش خواهد یافت، فروش نفت ایران نیز به طور تقریبی در همچنین وضعیتی قرار دارد. در مؤلفه بعدی نیز، در زمینه توسعه مناطق آزاد و روابط ایران و چین، با توجه به این نکته که نمودار در ضریب ۳,۴ که در این زمینه گزینه (نظر یکسانی دارم و گزینه‌ای رو به بالا است) و همچنین در

نهایت که نقطه پایانی آن بر روی نقطه‌های انتهایی نمودار بر روی گزینه ۳ متمرکز شده است از این رو این چنین به نظر می‌رسد که منطقه آزاد می‌تواند سبب افزایش روابط تجاری و اقتصادی میان ایران و هند در تحریم‌های پسابرجام شود. در نقطه دیگر نیز به بررسی نقش تحریم‌های پسابرجام در رونق گردشگری ایران نیز، این نتیجه عاید می‌شود از آن جایی که تمامی نقاط نمودار از آن جایی که ما بین عدد مفروض (۲: کم و ۳: نظری ندارم) قرار دارد و بیشتر این خطوط در بین ۲ و ۳ قرار دارند و در نهایت به نقطه ۳ می‌رسند یعنی تحریم‌های پسابرجام نمی‌تواند در رونق گردشگری ایران تأثیرگذار واقع شود. در نهایت ضریب بالای نمودار نشان می‌دهد، در زمینه منطقه آزاد و روابط تجاری - اقتصادی میان ایران و چین، از آن جایی که تمامی خطوط نمودار بیش از عدد ۳ و بیشتر نقاط آن بالای ضریب ۴ قرار دارد، از این رو به نظر می‌رسد که مناطق آزاد فعال در ایران سبب افزایش روابط اقتصادی و تجاری میان ایران و چین خواهد شد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

سازمان همکاری شانگهای اولین ساز و کار منطقه‌ای به ابتکار چین است که نگرش سازنده و مثبتی را به سوی همکاری منطقه‌ای دارد و به طور فعال در همکاری منطقه‌ای آسیایی ایفای نقش می‌کند. ملاحظات اصلی چین در مورد ایجاد و توسعه سازمان همکاری شانگهای بدین ترتیب است: اول آنکه بخشی از سیاست حاشیه‌ای بزرگ‌تر چین است که بر روابط حسنه با کشورهای همسایه تأکید دارد. این سیاست ناشی از شناخت وضعیت جغرافیایی چین مبنی بر آن است که این کشور همسایگان بسیاری در روی خشکی و همسایگان متعددی نیز در دریا دارد. اگرچه ایران عملکرد موفقی را در ایجاد منطقه‌گرایی و سازه‌های منطقه‌ای نداشته است اما سه رویکرد که در سیاست خارجی ایران در ارتباط با منطقه‌گرایی مشخص است عبارت‌اند از: - رویکرد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی (خلیج فارس و خاورمیانه) حیات سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران به این مناطق وابسته است.

- رویکرد فرهنگی و تاریخی (منطقه آسیای مرکزی)

- رویکرد ایدئولوژیک (جهان اسلام)

در حال حاضر، در خصوص عملکرد شانگهای در حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی رویکردهای مختلفی وجود دارد، در حالی که برخی آن را به دلیل نبود ساز و کارهای لازم از جمله در حوزه‌های اقتصادی فاقد کارکردهای لازم دانسته و آن را چندان یکدست نمی‌دانند، برخی دیگر آن را حتی با اتحادیه اروپا مقایسه کرده و معتقدند که این سازمان در بلندمدت زمینه‌های تبدیل شدن به یک اتحادیه آسیایی بزرگ را دارد.

اما فارغ از دیدگاه‌های مختلف، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین چالش موجود در این سازمان عدم وجود منافع مشترک میان اعضا باشد، همچنان که تاکنون آن‌ها نتوانسته‌اند یک رویکرد واحد و مشترک را در زمینه‌های مختلف دنبال کرده و به عنوان یک سازمان اثرگذار عمل کنند. به عنوان مثال، در حالی که منافع اقتصادی چین در همراهی با غرب است و این کشور میلیاردها دلار در غرب و همچنین در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده است، اما در مقابل روسیه تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی غرب قرار دارد و رویکردهای اقتصادی آن در تضاد با منافع آمریکا و غرب قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر یکی از سخت‌ترین شرایط سیاسی و اقتصادی خود را در طی ۴۰

سال انقلاب سپری می‌نماید. تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده آمریکا و شرکای تجاری و اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب بر علیه جمهوری اسلامی ایران، ضعف در سیستم اقتصادی، تضعیف شدن زیرساخت‌های اقتصادی، عدم ورود ارز به کشور، عدم توانایی کشور در فروش نفت و انرژی و فولاد و سایر این قبیل موارد از جمله مهم‌ترین عوامل وضعیت بحرانی کشور در حال حاضر و در سال ۱۳۹۸ می‌باشند.

در سال‌های اخیر نیز به دنبال زیاده‌خواهی‌های ایالات متحده آمریکا، رژیم عربستان و رژیم صهیونیستی بر سر برنامه هسته‌ای ایران، در نهایت پس از توافق هسته‌ای میان ۵ + ۱ و ایران، باروی کار آمدن دولت جدید در ایالات متحده آمریکا، دونالد ترامپ به صورت یک طرفه از برجام خارج شد و پس از آن نیز تحریم‌های کامل نفتی، انرژی و کلیه امور خدماتی را بر علیه ملت ایران رقم زد. از این رو پس از اتفاقات پس‌ابرجام و پس از گذشت حدود ۲ سال از برجام، طرفین اروپایی نیز تعهداتشان را به برجام انجام نداده و از این رو مشکلات بسیار زیاد و گسترده‌ای را بر علیه جمهوری اسلامی ایران اجرا نمودند. پس از آن و در صحنه داخلی خاورمیانه، جمهوری اسلامی نفوذش را در منطقه خاورمیانه افزایش داد و به دنبال آن منافع استراتژیک، اکونومیک و ژئوکالچر گسترده‌ای میان ایران و کشورهای قدرتمند سازمان همکاری شانگهای ایجاد شد. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به احداث منطقه آزاد تجاری چابهار و نفوذ گسترده هند و چین در چابهار، منافع استراتژیک و منطقه‌ای میان ایران و روسیه خصوصاً در جنگ داخلی سوریه و اوضاع سوریه پس از آن، منافع مشترک ایران و چین خصوصاً پس از تحریم‌های پس‌ابرجام ایالات متحده بر علیه جمهوری اسلامی ایران و نیز در نهایت می‌توان به افزایش روابط اقتصادی و تجاری میان ایران، چین و روسیه پس از تحریم‌ها اشاره نمود؛ اما آنچه در تحقیق حاضر به عنوان عناوین اصلی مورد ارزیابی قرار گرفت شامل مؤلفه‌های زیر است:

- آینده‌پژوهی نقش تحریم‌های پس‌ابرجام در روابط میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای

- تعیین مهم‌ترین عوامل گرایش جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای

- شناخت امتیازات حاصل از تحریم‌های پس‌ابرجام جمهوری اسلامی ایران برای دو قدرت چین و روسیه

- تعیین تأثیر ارتقاء روابط میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای در جهت کاهش فشارهای اقتصادی برای ایران پس از تحریم‌های پس‌ابرجام

در این راستا در زمینه نقش تحریم‌های پس‌ابرجام در روابط میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای، نتایج نشان داد که در صورت کلی تحریم‌های پس‌ابرجام بر افزایش روابط بین ایران و کشورهای عضو شانگهای تأثیرگذار است اما در مقابل تحریم‌ها، در افزایش فروش نفت ایران به کشورهای عضو شانگهای، در افزایش حضور تاجران و شرکت‌های شانگهای خصوصاً چین و هند در ایران هیچ‌گونه تأثیری ندارد. تحریم‌ها در افزایش فعالیت‌های دیپلماسی در سطح کشورهای شانگهای با اتحادیه اروپا تأثیری ندارد، تحریم‌ها در کاهش ارزش پولی و ارزی دلار و یورو تأثیرگذار نخواهد بود و همچنین تحریم‌ها در افزایش حضور و سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های چین و هند تأثیرگذار نخواهد بود. در عین حال نیز کشورهای نظیر پاکستان، ازبکستان و قزاقستان و هند، ایران را در جهت دور زدن تحریم‌ها همراهی نخواهند کرد. به نظر می‌رسد این‌طور که مشخص است هیچ‌کدام از کشورهای چین و روسیه از تحریم‌های پس‌ابرجام ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران سود نخواهند برد و از این رو تحریم‌ها سبب افزایش

ارزش پولی یوان و روبل، افزایش فعالیت‌های مناطق آزاد ایران به نفع چین و هند، تحریم‌های پسابرجام فعالیت‌های دیپلماسی در سطح کشورهای جهان با ایالات متحده را تحت تأثیر قرار خواهد داد و همچنین تحریم‌های پسابرجام بر علیه ایران، بهبود وضعیت اقتصادی چین، هند و روسیه را به همراه خواهد داشت.

اما آن چه به نظر مهم‌ترین دلایل گرایش ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای می‌باشد می‌توان به بی‌اعتمادی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سیاست‌های خارجه ایالات متحده کشورهای عربی و نیز کشورهای عضو اتحادیه اروپا، حمایت‌های آمریکا از رژیم صهیونیستی و گروه‌های تجزیه طلب ایران نظیر پژاک و جیش العدل، حضور ایران به عنوان عضو ناظر سازمان همکاری‌های شانگهای، روابط و منافع استراتژیک میان ایران، چین، روسیه و پاکستان را اشاره نمود که از میان این عوامل، روابط ایران و روسیه خصوصاً در جبهه‌های نظامی و امنیتی بیش از سایر متحدان منطقه‌ای‌اش است. در این میان روابط اقتصادی ایران با کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان هیچ نقشی از دلایل گرایش ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای ندارد؛ و در نهایت در زمینه تأثیر ارتقاء روابط میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای در جهت کاهش فشارهای اقتصادی برای ایران پس از تحریم‌های پسابرجام نتایج نشان داد که ارتقاء سطح روابط ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای در افزایش فروش نفت ایران، افزایش سرمایه‌گذاری‌های کشورهای شانگهای در ایران، رشد اقتصادی، ارزش پولی ایران، افزایش فروش انرژی ایران، توسعه زیرساخت‌های صنایع پتروشیمی، خودروسازی، رایانه، شیمیایی و توسعه اقتصادی و در نهایت توسعه کشور هیچ نقشی ندارد؛ اما در مقابل ارتقاء سطح روابط ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای سبب توسعه بخش‌های صنایع غذایی، صنایع دفاعی، صنایع پوشاک، صنایع گردشگری، صنایع داروسازی، صنایع نساجی و همچنین توسعه زیرساخت‌های صنایع وابسته به معدن تأثیرگذار خواهد بود.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر برای یکپارچگی و همگرایی کشورهای مورد مطالعه ارائه می‌شود:

- با توجه به این نکته که تولید ناخالص داخلی از عوامل مؤثر بر تجارت دوجانبه ایران با شرکای تجاری خود است. از این رو، ایجاد بسترهای مناسب برای افزایش تولید ناخالص داخلی، می‌تواند بر گسترش روابط متقابل مؤثر باشد که از آن جمله می‌توان به حمایت از تولیدات داخلی و جذب سرمایه داخلی و خارجی اشاره کرد.
- از آن جایی که ایران در صادرات غیرنفتی خود به کشورهای قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان بسیار ضعیف عمل کرده است و از ظرفیت صادراتی غیرنفتی پایینی برخوردار است، لذا توسعه روابط و بهبود دیپلماسی با سه کشور بیش از پیش دارای ضرورت است.
- با توجه به منافع مشترک استراتژیک و ایدئولوژیک و ژئواکونومیک میان ایران و دو عنصر قدرتمند سازمان شانگهای، افزایش موافقت‌نامه‌های همکاری‌های اقتصادی - منطقه‌ای (بین ایران و کشورهای سازمان شانگهای) می‌تواند حجم جریان تجارت دوجانبه ایران با شرکای تجاری منتخب را افزایش دهد.
- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایران در تجارت با شرکای تجاری منتخب، کمتر از پتانسیل تجاری خود استفاده کرد، بنابراین می‌توان با تقویت زیرساخت‌ها، حمایت از تولیدات داخلی و کاهش نرخ تعرفه زمینه را برای گسترش بازار محصولات پتانسیل دار فراهم کرد.

- در شرایطی که ایران در میان کشورهای عضو سازمان شانگهای، بیشترین پتانسیل تجارت غیرنفتی را با کشور چین دارد، بنابراین این امکان وجود دارد که با صادرات / واردات کالاهای پتانسیل دار غیرنفتی از کشور چین و نیز با گسترش همکاری‌های اقتصادی - تجاری میان ایران و چین، این دو کشور بتوانند توان رقابت‌پذیری خود را ارتقاء بخشیده و با توسعه سرمایه‌گذاری در دو کشور، سهم خود را از تولید و صادرات جهانی افزایش دهند.
- با توجه به توسعه مناطق آزاد در ایران و افزایش نفوذ چین و هند در مناطق آزاد و بنادر ایران، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در جهت بهبود روابط با کشورهایی که پایین‌ترین تشابهات صادراتی و وارداتی رادار است (نظیر تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان) زمینه‌ها را در راستای سرمایه‌گذاری کشورهای مذکور و ایجاد پایگاه‌های اقتصادی آنان در ایران را بازگشایی کند.
- توسعه و افزایش نمایشگاه‌های بین‌المللی در زمینه‌های صنعتی، معدن، پزشکی، صنایع سنگین، صنعت نساجی و صنایع دریایی توسط جمهوری اسلامی ایران در کشور، می‌تواند زمینه‌ها را برای شناساندن سایر پتانسیل‌های تجاری با کشورهای عضو سازمان شانگهای خصوصاً چین و هند بسیار مفید واقع شود و در رشد اقتصادی ایران نقش مؤثری را به همراه داشته باشد.

منابع

- ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۸۵)، مبانی فلسفی تئوری‌های سازمان و مدیریت با رویکرد کارکردگرایی و ساختارگرایی، فصلنامه فرهنگ مدیریت، دوره ۴، شماره ۱۳.
- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۶)، سازمان همکاری شانگهای اهمیت و استراتژیک روزافزون در مقابل با یک‌جانبه‌گرایی، مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- اصول، قاسم (۱۳۹۲)، اهداف و منافع روسیه در آسیای مرکزی و دورنمای آن، <https://www.farsnews.com/news/13921203000637>
- آذر کمند، رزا (۱۳۹۳)، جهانی شدن و نقش همگرایی منطقه‌ای در توسعه ملی و ایجاد ثبات در حوزه پیرامونی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- آقاجری، محمد جواد، رستمی فر، سیمین سادات (۱۳۹۱)، پیمان سارک و تأثیر آن بر منطقه‌گرایی، نشریه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲۰.
- آلیسون، روی و جانسون، لنا (۱۳۸۲)، امنیت در آسیای مرکزی، ترجمه محمدرضا دبیری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال دوم، شماره ۵.
- بهشتی پور، حسن (۱۳۹۸)، تهدیدها و فرصت‌های حضور روسیه در آسیای مرکزی برای ایران، <https://www.farsnews.com/news/13931001001139>
- تقوی، مهدی (۱۳۹۰)، بررسی روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای (۱۳۸۹-۱۳۸۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، مدل مفروض تحقق همگرایی منطقه‌ای (با تأکید بر حوزه خلیج فارس)، جزوه درسی مناطق ژئوپلیتیکی پیرامون ایران، تهران: به اهتمام حسن رحیمی.
- حجتی، امیررضا، حجتی، ایرج (۱۳۹۵)، طرح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، فصلنامه سیاست سال سوم، شماره ۹.

- حسینی، میر عبدالله، بزرگی، وحید (۱۳۸۹)، ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادرات کالایی ایران به کشور آفریقای جنوبی، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۴۰.
- حسینی، مالک (۱۳۸۹)، فرصت‌ها و موانع ج.ا. ایران در تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای با تأکید بر سند چشم‌انداز بیست‌ساله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حسینی، میرسعید (۱۳۸۸)، نقش سازمان‌های منطقه‌ای در امنیت ایران، مطالعات موردی: سازمان همکاری‌های شانگهای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلام واحد تهران مرکزی.
- داداندیش، پروین (۱۳۸۴)، روند تکوین سیاست‌های روسیه در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۴.
- دبیری، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی پیوستن ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- دویچ، کارل (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران، نشر ماجد.
- دوئرتی، جیمز (۱۳۹۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، انتشارات قومس.
- دهقانی، جلال‌الدین (۱۳۸۶)، رویکردی نظری به نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۴۲.
- رحمانی، میترا (۱۳۸۴)، برآورد توان بالقوه تجارت ایران در گروه هشت، نشریه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۶.
- رضایی بونش، فرزاد (۱۳۹۷)، اهداف و منافع مهم امنیتی نظامی چین در خاورمیانه، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC - .
- زاهدی انارکی، مجتبی (۱۳۸۵)، سازمان همکاری‌های شانگهای از تئوری تا عمل، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۵.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۶)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۲)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، انتشارات قومس.
- شاهانی، فائقه (۱۳۹۰)، بررسی پتانسیل تجاری میان ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- شکیبایی، علیرضا و بطا، فاطمه (۱۳۸۸)، همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۵۳.
- طالبی‌فر، عباس، جعفری پاسکایی، سیاوش (۱۳۸۷)، سازمان همکاری‌های شانگهای متعادل‌کننده رقابت قدرت‌های بزرگ در اوراسیا و موضوع عضویت جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۵)، انقلاب اسلامی و منطقه‌گرایی نوین در خاورمیانه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و منطقه خاورمیانه، نشریه: جغرافیا، دوره ۴، شماره ۵۱.
- عزیزی، حمید (۱۳۹۳)، بررسی چالش‌ها، مشکلات و عوامل واگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- عزیزیان، افشین (۱۳۸۲)، وحدت اروپا در تئوری و عمل، تهران: انتشارات چاپخش.
- فرانکل، جوزف (۱۳۷۱)، نظریه‌های معاصر روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران، نشر اطلاعات.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۸)، تأملی بر سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی، <https://www.farsnews.com/news/13911118000278>
- کولایی، الهه (۱۳۷۹)، تحول در نظریه‌های همگرایی، نشریه: دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۴۸.
- گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۸۲)، همگرایی، نشریه سیاست روز، شماره ۱۴.
- لینک، پیترو و ناومکین، ویتالی (۱۳۹۱)، آسیای مرکزی دو دهه پس از استقلال، ترجمه علیرضا عیاری، موسسه مطالعات اوراسیا.
- معدی پلارتنی، وحید (۱۳۹۴)، تجارب جهانی خروج از رکود، وبگاه ارشن.
- محسنی فرد، حسن (۱۳۹۷)، خروج آمریکا از برجام و تأثیر آن بر مناسبات ایران و هند، مجله سیاسی ایران دیپلماسی.

محمودی، مرتضی (۱۳۹۲)، تعاملات اقتصادی تاجیکستان و ایرانو دورنمای آینده روابط دو کشور در دهه‌های اخیر، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۶ شماره ۲۴.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۷)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.

معین‌الدینی، میلاد (۱۳۹۷)، سیاست هند در قبال تحریم‌های یک‌جانبه‌ی ایالات متحده علیه ایران، اندیشنده راهبردی تبیین.

مهکویی، حجت، باویر، حسن (۱۳۹۳)، نقش سازمان‌های منطقه‌ای در کاهش چالش‌های منطقه‌ای؛ مطالعه موردی سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، نشریه: سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۷.

مهنام، شیدا (۱۳۹۱)، نقش ایالات متحده آمریکا در تأمین ثبات و امنیت خاورمیانه پس از پایان جنگ سرد (مطالعه موردی: عراق)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

نجفقلی نژاد و رجوی، اعظم، حسن زاده، محمد (۱۳۹۲)، عوامل تقویت‌کننده همکاری میان کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو، نشریه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، دوره ۲۵، شماره ۹۷.

نیک گهر، سپهر (۱۳۸۵)، همگرایی سیاسی، نشریه قدس.

واریکو، ک (۱۳۸۲)، همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی: مشکلات و چشم‌اندازها، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال یازدهم، دوره سوم، شماره ۴۱.

Arnon, A. & Avia Spivak & J. Weinblatt, 1996, "The Potential for Trade Between Israel, the Palestinians and Jordan", The World Economy, vol. 19, Issue 1.

Artis, M., Okubo T., (2011), "The Intranational Business Cycle, in Japan", Oxford Economic Papers, 63 (1)

Czulda, Robert, 2019, Russia is a clear winner in US-Iran tensions, assistant professor at the University of Lodz, Poland and a former visiting professor at Islamic Azad University in Iran, the University of Maryland and National Cheng-chi University in Taiwan.

Claud, Ake. (1967). "A Theory of Political Integration", Dorsey press.

Edmonds, C., Croix, S. L., Li, Y., (2008), "China Trade: Busting gravity's bounds", Journal of Asian Economics, 19.

Marimoutou, V., Peguin, D., Feissolle, A. P., (2009), "The Distance-Varying Gravity Model in International Economics: is the distance an obstacle to trade?", Economics Bulletin, 29 (2)

Marimoutou, V., Peguin, D., Feissolle, A. P., (2009), "The Distance-Varying Gravity Model in International Economics: is the distance an obstacle to trade?", Economics Bulletin, 29 (2).

Nader, Alireza, Robert Stewart, 2014, Iran's Influence in Afghanistan Implications for the U.S. Drawdown, RAND, (June 2014), Available at:

https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR616.html.

Roberts. Jordan and Werner j. feld. (1986). European Balance: The changing content of European Integration Politics. London: Faber and Faber.

Rottgers, D., Fabe, A., Grote, U., (2010), "The Canola Oil Industry and EU Trade Integration: A Gravity Model Approach", Series Proceedings of the German Development Economics Conference 32.

Schmitter, Philip. (1969). "Three new functional hypotheses about International Integration", International Organization, no. 2.